

یادشدهای سبینهمارکس آبادان گرامی باد

ملتی که ازادهاش غرم رهایی کرده و برای کسب آزادی بیا می خیزد، خود را برای مقابله با هرنوع واکنش نظام حاکم مانند زندان، قتل، غارت، ارباب و... آماده میکند و ملت ایران نیز با روحیهی سرشار از مبارزه و بیگاری، خود را مهیای نبرد ساخته بود، اما بدلیل ماهیت بیش از حد بلند و نامردنی رژیم شاه مخلوع، در مرداد ماه ۵۷ خود را رویاروی حادثهای دلخراش و جانفرسا و بسار بی سابقه دید.

بقیه در صفحه ۱۲



وَلَا تَجْعَلْنَا كَمَا جَعَلْتُمْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سُلْطٰنًا عَلٰی الْمُؤْمِنِيْنَ اِنَّهُمْ كَانُوْا عَلٰی سُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ

حرکت‌های مشکوک خوانین در فارس

بیتام خدا

برای چندمین بار سخن از تلور استکبار، سخن از تجسم طاغوت، سخنی نهنها گویای روابطی ظالمانه و استثمارگرانه، سخنی نهنها در بازگویی به بند کشیده شدن توده‌های مستضعف، سخنی نهنها در وصف روابط شرک‌آلود یک جامعه خانزده، که سخنی در زمینه اقدامات مشکوک علیه جمهوری نویای اسلامی، شواهد و قراین حکایت از به آشوب‌کشاندن نقطه‌ای دیگر از وطنمان می‌کند، سخن از خوانین عشایر فارس بخصوص سخن از سرانشان، کسانی که داعیه مبارزه صدرزینی دارند.

بقیه در صفحه ۱۱

نشریه جنبش مسلمانان مبارز

چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۵۹ سال دوم شماره ۷۰

بها ۲۰ ریال

دیدار و گفتگو با نهضت‌های آزادبخش منطقه



مصاحبه‌های زیر با بعضی از نمایندگان جنبش‌های آزادبخش - شرکت کننده در کنفرانس قدس - صورت گرفته است. بدیهی است درج مواضع اعلام شده، و پاسخ‌هایی که به سوال‌های مطروحه داده شده است، الزاماً به معنی قبول تمامی آنها از جانب ما نمی‌باشد.

بقیه در صفحه ۷

دیدارهای الحسن با برادران جنبش مسلمانان مبارز

همزمان با تشکیل کنگره آزادی قدس برادر هانی‌الحسن عضو کمیته مرکزی فتح (حرکت التحریر فلسطین) در دیداری از محل جنبش مسلمانان مبارز با برادران خود در جنبش‌گفتگو نشست، این دیدار و گفتگو بیش از دو ساعت ادامه داشت، قسمتهایی از نقطه‌نظرهای برادر هانی‌الحسن و برادران مسؤل درج. م. م. که از نوار پیاده شده است از نظر شما می‌گذرد.

گزارش راهبیمایی روز قدس در
روستاهای مهرانرود هشتروند

اکیچی رهبر السون خمینی رهبر السون آمریکانابود السون فلسطین آزاد السون

بدعوت شوراها اسلامی دهقانی منطقه مهرانرود هشتروند تظاهرات و گرد هم - آئی باشکوهی با شرکت اهالی ۲۰ روستای منطقه فوق در روز جهانی قدس بعمل آمد.

روستائیان که با تراکتور، مینی‌بوس و پیاده راه ده خود را به محل تجمع که بازار قره‌جای بود، با شعارهای آتشین علیه آمریکا و اسرائیل و نوکران آنها یعنی خانهای زمینخواربود، می‌پیامودند، در ساعت ۱۰ صبح خود را به محل تجمع رساندند. شعارهای راهبیمایی ترکی و فارسی بود و عبارت بود از: (اکیچی رهبر اولسون - خمینی رهبر اولسون - آمریکا بقیه در صفحه ۹

در کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد برما چه گذشت؟

تاریخ پرفراز و نشیب مردم ما تجربه‌های سخت و سهمگینی را از سر گذرانده است. تجربه‌هایی که هریک به تنهایی در مسیر عبرت و تنبه و آموزش گفتنی‌های فراوانی در بر دارند، و تنها با آموختن و بکار بستن تجربه‌های گذشته و بارور ساختن آنهاست که از تکرار شیهای سرد و سیاه و روزهای دروغ و دردی چون روزها و شبهای کودتای ۲۸ مرداد

حاکم شرع یا حامی مستکبرین

سازشکاران و مرتجعین بر بسیاری از امور اجرائی، چرخ شتابان انقلاب را روز بروز کندتر نمود و اگر اتحاد و انسجام یکپارچه مردم پشت سر رهبری امام خمینی و هشدارها و رهنمودهای مکرر ایشان نبود، چرخ انقلاب یکباره به سکون و رکود کشیده میشد. علاوه بر ضعف بینش دولتمردان و عملکرد غیرانقلابی آنان، نفوذ عناصر مرتجع در بعضی نهادها، چون دادگاههای انقلاب اسلامی - که در اوایل پیروزی نور امیدی در دل محرومین زنده نگاه میداشت - باعث انحراف این نهادها و ایجاد زمینه دلسردی و یاس در مردم گردید. اغلب حکام شرع انقلابی از کار برکنار شدند و در بیشتر شهرها دادگاهها برخلاف رسالت اساسیشان عمل نموده و از سیری که باید در پیش می‌گرفتند، منحرف شدند. دادگاه انقلاب اسلامی شیراز به ریاست حاکم شرع شیخ عبداللیم از جمله نهادهایی بود که با عملکرد خود نهنها ناراحتی خاطر زالموصفتان و ابادی رژیم پیشین و سرمایه‌داران و فئودالها را برطرف کرد، بلکه نقطه‌انکایی برای آنها شد تا در پناه آن به عملکردهای سابق خود ادامه دهند. در پی انتصاب ایشان احکام انقلابی حاکم شرع قبلی ملغی تلقی شد. مالکین و فئودالها بر شدت ظلم و احتقان و استثمار خویش افزودند و سرمایه‌داران و کارفرمایان در مقابله با خواسته‌های بحق کارگران و شوراها اسلامی کارخانجات جان تازه‌ای گرفتند. حاکم شرع علنا با شوراها

بقیه در صفحه ۱۰

دولت انقلاب مستضعفین

شرایط ایجاب می‌کند، همه نیروهای وفادار به انقلاب، همچنان که بارها امام خمینی هم تأکید کرده‌اند، آمریکا و سایر قدرتهای استعماری متحد وی را هدف اصلی حملات خود قرار داده از هر نوع درگیری و تضاد و کشمکش که نیروی متحد خلق را در برابر دشمن ضعیف یا بخشی از مردم را در برابر بخش دیگری به جنگ وادار سازد. بشدت اجتناب ورزند.

بعد از غلبه مردم قهرمان و مسلمان ما بر رژیم ننگین و ضد خلقی شاه و تشکیل دولت موقت انقلاب و بویژه بعد از انجام رفواندوم جمهوری اسلامی که صحبت از تدوین قانون اساسی و تشکیل و استقرار نهادهای قانونی میان آمد، بر اساس تحلیل و شناختی که از شرایط ذهنی جامعه و شکل‌گیری نیروهای آن داشتیم، این نظریه را مطرح کردیم که کشور برای مدت درازی باید توسط یک شورای انقلابی - مکتبی زیر نظر مستقیم رهبر انقلاب، امام خمینی اداره شود و این شورا برای رهبری امور انقلاب و مملکت بلافاصله اقدام به تشکیل شوراها اسلامی در تمام سطوح بنماید و بجای ادارات و مؤسسات کهنه از شوراها مردمی - اسلامی برای اداره امور استفاده و کمک بگیرد. و نیز واحدهای مسلح مردمی در کنار این شوراها (هنوز سیاه پاسداران تشکیل نشده بود) دفاع از انقلاب را بعهده بگیرند و ارتش و پلیس تجدید سازمان و تصفیه شده و بطور اساسی دگرگونی یابد. سیاه پاسداران و کمیته‌ها از جوانان مسلح و انقلابی که در مبارزه علیه رژیم شرکت مستقیم و فعال داشته، تشکیل گردید (کار به ضعف‌ها و نفوذ عناصر فرصت طلب یا ساواکی در بعضی واحدها نداریم، بحث در اساس سیستم آن است). لازم بود کشور تا مرحله سرکوبی کامل ضدانقلاب و محو پایگاههای دشمن و استقرار کامل قدرت سیاسی و اجتماعی انقلاب توسط یک شورای قوی و انقلابی - مکتبی و با شیوهای قاطع اداره شود، تا ضمن آن مردم از طریق شوراها اسلامی بطور وسیع و فعالی در همه امور کشور مشارکت عملی و فعال پیدا کنند، تا ادارات و مؤسسات طاغوتی بکلی زیر و رو و بر اساس نظم نوین تجدید سازمان شوند، تا کارخانجات و صنایع از دست سرمایه‌داران وابسته آزاد گردند و توسط شوراها کارگران و زیر نظارت

بقیه در صفحه ۲

مقوله‌های اساسی مکتب

پنجم - ایمان و عمل صالح
مؤمن کسی است که تسلیم حقیقت جهان و واقعیت هستی است. یعنی همه افکار و اندیشه و اعمال خود را هماهنگ با آن حقیقت می‌سازد و در مسیر آن گام برمی‌دارد.
معلوم شد ملاک اصلی ارزیابی شناخت و معرفت و عمل، حقیقتی است که از واقعیت عطاقت هستی اخذ شده است. شرط پیروی از یک نظریه در عمل و در ریزیات بعدی و ملاک و آار دادن آن برای ارزشیابی حقایق آنست که بدرستی آن ایمان داشته باشیم. ایمان یک شناخت ساده سطحی و یا عقلانی نیست. تصدیق ساده یک امر واقع و نه حتی عقیده قلبی به یک موضوع، بلکه ایمان همه اینهاست باضافه تسلیم شدن بدان حقیقت است. هر آگاهی و تصدیقی الزاماً با تسلیم همراه نیست. همگی از خیلی واقعیت‌ها اطلاع داریم و وجود آنها را تصدیق می‌کنیم و حتی نسبت بدانها ادراک قلبی و عمیق داریم، لکن خود را با آن آگاهیها هماهنگ نمی‌سازیم و تسلیم نتایج آنها نمی‌شویم. جوهر اصلی ایمان تسلیم به حقیقت شناخته شده و مورد اعتقاد است. ایمان بدنیاال خودآگاهی حاصل می‌شود زیرا تنها این نوع معرفت است که ایمان‌زاست. هر معرفت دیگری سواي آن قدرت ایجاد ایمان ندارد. قرآن به این معنا توجه دارد که صرف آگاه شدن کسی از حقیقتی سبب ایمان نمی‌شود.
"لذین ایتناهم الکتاب یعرفونه لما -

هستار دانشجویان مسلمان قشقانی در یاره

توطئه‌های شوم خوانین قشقانی

بسم الله الرحمن الرحيم
جاه الحق وزهق الباطل ان الباطل کان زهوقا
بقیه در صفحه ۴

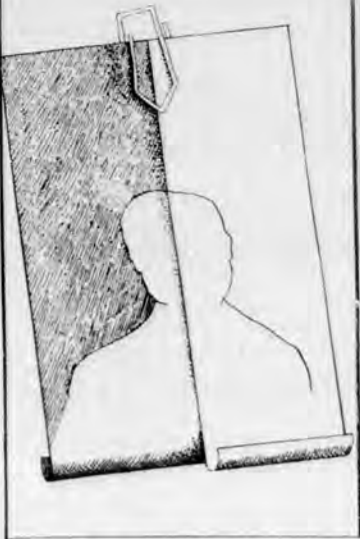
ربشه‌های نارسائیهای مکتبی در روش شناخت (۶)

جزمیت فکری یا تفکر مارقی

بقیه در صفحه ۱۰

بقیه در صفحه ۱۲

دولت و انقلاب مستضعفین



و مرجعیت امام خمینی را نفی کند و تنها هدفشان را مبارزه با چیزی قرار دهند که معلول رژیم وابسته و استعماری بوده و کار به علت نداشته باشد و کارشان مورد تأیید ساواک باشد، آیا صلاحیت دارند که مکتبی را از غیرمکتبی، انقلابی را از غیرانقلابی بازسازند؟

سیاست دولت‌ها در مساله صنایع و مالکیت‌های صنعتی، در مساله شوراها، در دادگاه‌های انقلاب و تصفیهها و مساله ارضی و تجارت و اقتصاد... اگر نه در همهجا در بسیاری موارد به دفع نیروهای صادق و متحدان طبیعی انقلاب و جذب فرصت‌طلبان انجامیده است. این سخن

دولت باید تجدیدنظر اساسی در سیاست‌های پیشین بعمل آورد و جهت قوای دافعه و جاذبه انقلاب را اصلاح کند.

بدان معنا نیست که اقدامات درستی چون اصلاح ارضی یا تشدید مجازات خائنان و تصفیه ادارات و ارتش را در ابعاد درستش بنیمیم، ولی وقتی کارنامه ۱۸ ماهه دولتها را می‌نگریم، قوه دافعه انقلاب همیشه برضد دشمنان انقلاب نبوده، برضد دوستان آنها نبوده است. و بعکس قوه جاذبه آن از ابتدا خیل عظیمی از فرصت‌طلبان، سرمایه‌داران، تجار، مالکان و فتودالها و سازشکاران و مرتجعین را جذب کرد و حتی مسئولیت و قدرت داد و بزرگترین ضربه‌هایی که خورده‌ایم و عدم پیشرفت کار انقلاب و دلایلی که سبب خشم و نارضایتی مکرر امام امت شده و می‌شود حاصل کار این گروه‌هاست که به درون هیئت حاکمه و قدرت جذب شدند. هم اکنون در همه نهادها، سپاه، کمیته‌ها، جهادسازندگی، بنیاد مستضعفان و موسسات دولتی، وزارتخانه‌ها، استانداری‌ها، کارخانجات و سفارتخانه‌ها، از این نوع عناصر فرصت‌طلب یا غیرانقلابی و غیرمکتبی فراوان یافت می‌شود.

دولت باید تجدیدنظر اساسی در سیاست‌های پیشین بعمل آورد و جهت قوای دافعه و جاذبه انقلاب را اصلاح کند (منظور آن نیست که نظر تمایل قدرتهای استعماری را که با ما دشمن شده‌اند، جلب کنیم، بلکه باید وابستگی به طرز فکری استبدادی و ارتجاعی، عناصری که بالقوه و بالفعل پایگاه دشمن بحساب می‌آیند، همه طرد شوند و انقلابیون اصل و مکتبی جذب گردند).
(۵) برای تحقق هدف فوق، سیاست و برنامه دولت در زمینه‌های اساسی باید بوضوح و بر اساس مکتب و با درک موقعیت انقلابی جامعه تعیین و اعلام شود. بی‌شک این برنامه باید دارای ابعاد و هدفهای صریح و قاطع ضدامپریالیستی، ضد سرمایه‌داری، ضدفتودالی و ضداستبدادی و ضدارتجاعی باشد. ما بخصوص توجه آقای نخست‌وزیر را به این حقیقت جلب می‌کنیم که تکیه بر سرمایه‌داران ملی نمی‌تواند راهگشای حل بحران اقتصادی باشد. زیرا "اولاً" - سالهاست که در کشور ما سرمایه‌داری ملی وجود خارجی ندارد، هرچه بقیه در صفحه ۹

شخصیت انسانی قرار دهد، برای آنان فرصت و موقعیتی فراهم آورد تا به خود آیند و برای مردم و کشور مفید واقع شوند. و در محیطی سالم با حق و اصول مکتب

حکومت اسلامی باید مرز آزادی عقیده و اندیشه و ابداع و خلاقیت و ابتکار را از توطئه و فساد و فتنه جدا و متمایز سازد.

آشنا کردند، حتی چنانکه از خیلی پیش مکرر گوشزد کردیم، انقلاب باید امکانات کار و خدمت برای کسانی هم که بدلائل مختلف مشمول تصفیه قرار می‌گیرند، و بازنشسته یا منفل خدمت در جامعه سرگردان و بحال خود رها می‌گردند، فراهم کند. در صورتیکه وقتی به کارنامه دولتهای بعد از انقلاب نگاه می‌کنیم، قضیه ناحدود خیلی زیادی بعکس بوده است. یعنی درست است که انقلاب بسیاری عناصر ضدانقلاب و وابسته به رژیم گذشته را دفع و دشمن کرده است، درست است که بخش اصلی مخالفان انقلاب افراد و قشرهای وابسته به نظام طاغوتی پیشین بوده‌اند، لکن باید پذیرفت که سیاستهای مسئولین امور بنحوی بوده است که بسیاری عناصر صادق و علاتمند و وفادار به انقلاب و نیز اشخاصی که به آسانی مینوانستند در خدمت نهضت و انقلاب باشند، طرد کرده و می‌کند. از جمله ضروری است که به سیاست آقای نخست‌وزیر هنگام تصدی وزارت آموزش و پرورش اشاره کنیم. هیچ مسلمان انقلابی با این هدف مخالف نیست که نظام تعلیم و تربیتی ما باید مکتبی شود و افراد مومن به مکتب مسئولیت تربیت فرزندان جامعه را برعهده گیرند، اما در آموزش و پرورش به این بهانه تصفیه وسیعی آغاز شده که همه کسانی را که حتی مسلمان هستند، لکن صددرصد با چارچوبهای عقیدتی و سلیقه‌ای مسئولین هماهنگی ندارند، در بر می‌گیرد و سیستم تقنیش عقایدی حتی سخت‌تر از گذشته حاکم شده است و روشهای منجمد و خشک و یک‌بندی بکار رفته و می‌رود که بدون شک سبب طرد بسیاری عناصر صادق و دلسوز و مسلمان و نارضایتی قشرهای بزرگی از جامعه گردیده است. زیرا مسئولین آموزش و پرورش چند اصل مهم را رعایت نکرده، زسر یا نهاده‌اند: اول - مکتبی بودن الزاماً همان نیست که یک گروه یا باند خاص تفسیر برداشت می‌کنند و مکتبی بودن آن نیست که اشخاص در چارچوبهای خشک و جامد فکری معین گنجانده شوند. این شیوه در سنت رسول و ائمه طاهرین، هرگز سابقه ندارد و نمونه آنرا در کلیسای قرون وسطی یا بعضی ادوار سپاه در تاریخ کشورهای اسلامی - حکومت خلفا و سلاطین مستبد و جور می‌بینیم.

دوم - در تعیین صلاحیت فکری مردمی، جهت‌گیری مکتبی وی اهمیت دارد، نه کلیشه برداشته‌ها و سلیقه‌های فکری. زیرا وحدت در تمام زمینه‌های فکری و عقیدتی جز با اعمال زور یا از طریق حفظ چهل ممکن نیست. پس اصرار بر اینکه همه افراد از هر جهت هماهنگ با سلیقه و طرز فکر یک نفر یا چند نفر عمل کنند، و بیندیشند، نتیجه‌ای جز اختناق فکر و سرکوب قدرت خلافت و اجتهاد ندارد. کافی است جهت‌گیری عملی و فکری افراد مکتبی و بر اصول واحدی مبتنی باشد.

سوم - اینکه شما کار تشخیص ضوابط و معیارهای مکتب را بیشتر بدست کسانی داده‌اید که انحراف دیدگاههای فکری و سیاسی‌شان در تجربه سالهای پیش از انقلاب بر همه مبارزان مکتبی روشن است خود یک خطای بزرگ است. کسانی که دریافت و برداشت مکتبی‌شان آن بوده که مبارزه با رژیم را نفی کنند، شرکت و دخالت فکری در سیاست را تحریم کنند، رهبری

تختی از اصول پایه کجی است برای نظام اسلامی که در حال شکل‌گیری است. پس مسئولیت رهبران انقلاب در حال حاضر یک مسئولیت دوگانه و در عین حال واحد است. واحد چون مبارزه ضدامپریالیستی و تحکیم حاکمیت انقلاب از مبارزه برای دگرگون کردن روابط اجتماعی و نهادهای کینه جدا نیست. دوگانه زیرا از یکطرف هنوز هدف درجه‌اول، دفاع مشترک در برابر دشمن و بیکار سخت با شیطان و سرکوب ضدانقلاب است و از طرف دیگر باید در تنظیم و تصویب قوانین و در تغییر بنیادهای جامعه کینه و تاسیس نهادهای تازه و انجام تغییرات جدید، ضوابط مکتبی را کاملاً رعایت کنیم تا اطمینان پیدا شود که در جهت نزدیکی بیک جامعه مکتبی یا محتوای اصل توحیدی پیش می‌رویم، نه جامعه‌ای با شکل و هیئت اسلامی و محتوای غیرمکتبی! بهمین دلیل وظیفه دولت سخت سنگین و خطیر است و اگر همه اصرار دارند که دولت و زمامداران انقلابی - مکتبی باشند، دلایل عینی زیادی دارد.

(۳) ما از قبل با این واقعیت آشنا بودیم که یافتن عناصر مکتبی - انقلابی لازم که دارای انسجام کامل فکری باشند، از بین رجال و بزرگان و اشخاص معروف و بقه‌سید به آسانی ممکن نیست. بهمین دلیل از نخستین ایام نظردان این بود که "انگه" انقلاب باید به نیروی انقلابی و مردمی آن که در شوراها و نهادهای تبلور می‌یابند باشد، نه به رجال و رهبران معروف! منتقد بودیم باید مردم و جوانان اعتماد کرد و با هدایت مکتب به آنان مسئولیت داد. اکنون می‌شنویم که دولت می‌خواهد به جوانان و مردم انقلابی از توده‌های میلیونی در تشکیل دولت و در اداره مملکت انگه کند. این گفته برای همه ملت ایران امیدبخش است. اما اگر قرار باشد این اعتقاد یا محتوای واقعی خود بمرحله اجرا درآید کشور بیک نظام شورایی اصیل و مکتبی نیاز دارد. آوردن تک‌عناصری از جوانان و حتی از مردم عادی و شرکت دادن آنان در دولت به تنهایی دردی را دوا نمی‌کند و ضربه‌های است بر اعتقاد اصیل فوق. تحت شرایط عینی کنونی برای آنکه کشور هرچه بیشتر انقلابی و مکتبی اداره شود، باید کار بدست شوراها و نهادهای اسلامی - مردمی سپرده شود، البته با نظارت و هدایت دقیق مکتبی.

(۴) انقلاب برای آنکه به ثمر برسد، باید از همه استعدادها ملت استفاده کند، خدمت نیروهای بالفعل و بالقوه انقلابی را در همه زمینه‌ها، اتخاذ سیاستهایی که به حذف و طرد بازوها و نیروهای انقلاب منجر می‌شود، کشور را از استعدادها آن محروم میسازد. البته هر انقلابی دارای قوه دافعه و خاددیه نوام است. توه دافعه

تحت شرایط عینی کنونی برای آنکه کشور هرچه بیشتر انقلابی و مکتبی اداره شود، باید کار بدست نهادهای اسلامی - مردمی سپرده شود، البته با نظارت و هدایت دقیق مکتبی.

انقلاب اگر در جهت صحیح بکسی عمل کند، باید موجب طرد عوامل و نیروهای ضدانقلاب، منافق، فرصت‌طلب، مرتجع و سازشکار گردد و قوه خاددیه آن فقط نیروهای انقلابی و مکتبی با سابقه مبارزه، که نیروهای بالقوه مکتبی و انقلابی را هم که در شرایط مساعد رو به انقلاب آورده صادقانه آماده خدمت در راه آن هستند به خود جذب نماید. انقلاب باید بتواند مردم ضعیف (مستضعفان فکری) و بی‌تفاوت یا فریب‌خورده و فاقده بینش و آگاهی را با فراهم کردن امکانات کار و خدمت عملی در مسیر اصلاح و آگاهی و ارتقاء بینش و

بیکار دیگر مات شهیدپرور ایران و نخست‌وزیر را در آغاز قبول مسئولیت خطیر خود را در برابر حقایق زیر قرار می‌دهیم. (۱) باید قبول کرد که بدلائل بسیاری از لحاظ هدف مرحله‌ای در ادامه نخستین دوره بعد از پیروزی هستیم، یعنی هنوز ضدانقلاب در حال فعالیت و تحرک است و هنوز مبارزه ضدامپریالیستی و تلاش برای استقرار کامل حاکمیت سیاسی انقلاب به پایان نرسیده است. یعنی هنوز دشمن در صدد است جمهوری اسلامی را شکست دهد و قدرت سیاسی که ملت و انقلاب از کف دشمن گرفته باز پس گیرد. آمریکای جهان - خوار در رأس ضدانقلاب قرار دارد و با تمام قوا در کلیه جبهه‌های سیاسی، نظامی اقتصادی و تبلیغاتی علیه ما در حال توطئه و دسیسه است. ضرورت پیروزی در این جنگ مرگ و زندگی، اجاب می‌کند همه نیروهای وفادار به انقلاب همچنان که بارها

رسد بسیاری نارسائیه‌ها، از جمله باقیماندن آثار سیستم گذشته، ارتش، آموزش و پرورش و... و باقیماندن ضدانقلاب، سرمایه‌داران و فتودالها و نفوذ فرصت‌طلبان و عناصر سازشکار و مرتجع، همگی در چگونگی و نوع خط‌مشی است که حاکم بر کار دولت و انقلاب گردید.

انام خمینی هم تاکید کرده‌اند، امریکا و سایر قدرتهای استعماری متحد وی را هدف اصلی حملات خود قرار داده، از هر نوع درگیری و تضاد و کشمکش که پیروزی مستمر خلق را در برابر دشمن ضعیف یا بخشی از مردم را در برابر بخش دیگری به جنگ وادار و بهم مشغول سازد، بشدت اجتناب ورزند. از این رو ملت و دولت باید از بروز کشمکشهای غیراصولی و جنجالهای خیابانی و حملات گروه‌ها به یکدیگر و هرنوع تحریک و اقدام نفاق‌افکنانه، مستولانه جلوگیری نمایند.

(۲) با وجودیکه مرحله اول مبارزه ضدامپریالیستی و سرکوبی ضدانقلاب و استقرار کامل قدرت و حاکمیت سیاسی انقلاب به پایان نرسیده است، اما با تشکیل قوه مقننه و دولت، انقلاب در برابر یک مسئولیت اساسی و تعیین‌کننده دیگری هم قرار گرفته است و آن عبارتست از "پیروزی نظام جدید اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران".

اگرچه جدا کردن این دو مرحله بطور کامل از یکدیگر دشوار است، لکن وقتی آتش جنگ با ضدانقلاب گرم و شعله‌ور است وقتی خطر بر گرد سر حاکمیت سیاسی انقلاب در پرواز است، بسیاری مسائل و کارهای مربوط به پیاده کردن اصول مکتب به ضرورت و مصلحت به عهده تعویق می‌افتد و بسیاری ضعف‌ها و نارسائیه‌های مکتبی تحمل می‌شود. چنانکه امام علی بس از رحلت رسول اکرم و دوره دوم زندگی خویش که هدف اصلی نهضت اسلام تثبیت حاکمیت دین جدید و ریشه‌کن کردن ضدانقلاب و رفع خطر قدرتهای استعماری بود، ضمن آنکه از بیان هر انحراف یا خطای مکتبی چشم‌پوشی نمی‌کرد، اما برای یک انحراف مکتبی، دست به اسلحه نمی‌برد و جنگ داخلی بوجود نمی‌آورد و حکومت اسلامی را ضعیف نمی‌نمود. فراموش نکنیم که دستور خلیفه سوم در تقسیم نامساوی بیت‌المال و دادن سهم بیشتری به مهاجرین و انصار به بهانه داشتن سوابق بیشتر در اسلام، از نظر امام علی یک انحراف از سنت رسول خدا بشمار می‌رفت و همین انحراف زمینه انحرافات بزرگ بعدی و ناحدود زیادی مونر در شکست امام علی بود. اما علی بخاطر آن حکومت را ضعیف نکرد و با آن در ستیز و جنگ قرار نگرفت. و در عین حال که انحراف را گوشزد و آنرا از لحاظ مکتبی نپذیرفت، بیعت خود را با خلیفه نقض نفرمود. اما وقتی کار بدست شخص امام قرار می‌گیرد، بهر قیمتی است می‌کوشد تا اصول مکتب را بطور کامل پیاده و اجرا کند لذا با تشکیل حکومت اسلامی و آغاز کار قانونگزاری هر انحراف مکتبی یا

دولت انقلابی اداره شوند، نارسائیه بین دهقانان تقسیم اموال و اراضی و مستقلات سرمایه‌داران دزد و متجاوز صادره شود، تا ضدانقلاب و همه توطئه‌های آن بکلی سرکوب گردد و انقلاب فرهنگی بنیان و اساس و روابط اجتماعی - سیاسی - اخلاقی و اداری جامعه را در هم ریخته، زیربنای مکتبی تازه‌ای بی‌ریزی کند، و تنها بعد از طی این مرحله انتقالی - انقلابی است که شرایط برای تدوین قانون اساسی و تشکیل و استقرار نهادهای جدید آماده می‌گردد. تا قبل از آن یک منشور سیاسی - مکتبی حاوی بنیادهای مکتبی انقلاب در حد اصل و یک برنامه انقلابی مرحله‌ای می‌بایست اساس کار و راهنمای عمل شورای انقلاب قرار گیرد.

حوادث حنان جریان یافت و شرایطی

رشد بسیاری نارسائیه‌ها، از جمله باقیماندن آثار سیستم گذشته، ارتش، آموزش و پرورش و... و باقیماندن ضدانقلاب، سرمایه‌داران و فتودالها و نفوذ فرصت‌طلبان و عناصر سازشکار و مرتجع، همگی در چگونگی و نوع خط‌مشی است که حاکم بر کار دولت و انقلاب گردید.

بدید آمد که برخلاف نظریه بالا، شورای متمرکز و انقلابی - مکتبی پدید نیامد و تدوین قانون اساسی و انتخابات برای تعیین رئیس‌جمهور و سپس نمایندگان مجلس در دستور کار دولت قرار گرفت. بدیهی است ریشه بسیاری نارسائیه‌ها از جمله باقیماندن آثار سیستم گذشته در ادارات - ارتش - آموزش و پرورش - صنایع و کشاورزی و اقتصاد - بانک و بازار و باقیماندن ضدانقلاب، سرمایه‌داران و فتودالها و نفوذ فرصت‌طلبان و عناصر سازشکار و مرتجع، همگی در چگونگی و نوع خط‌مشی است که حاکم بر کار دولت و انقلاب گردید.

اکنون بمرحله‌ای رسیده‌ایم که اولین دولت رسمی انقلاب تعیین شده است و کسی مأمور تشکیل کابینه است که با سوابق و افکار روشن او ناآشنا نیستیم و بهمین جهت وظیفه خود میدانیم بی‌برده و صریح آنچه را بمصلحت انقلاب و منطبق بر موازین مکتب میدانیم با وی در میان بگذاریم.
عاطلی که ما را تشویق به ابتکار می‌کند، آشنایی از سوابق مبارزاتی علیه رژیم است و چون همیشه معتقد بودیم یکی از شرطهای اساسی که باید در زمامداران کشور بعد از انقلاب وجود داشته باشد "سابقه مبارزه جدی و مستمر و مکتبی با رژیم در داخل کشور است"، حال که آقای رجایی از سالها قبل در مبارزه علیه رژیم شرکت داشته با احساس ضرورت بیشتری به ابتکار دست زده، شرایط موفقیت دولت در امر هدایت کشور، بشیرد هدفهای انقلاب را در معرض دید وی و قضاوت ملت قهرمان ایران می‌گذاریم.
ما ابتکار را عیناً در بدو تشکیل شورای انقلاب و دولت موقت انجام دادیم و نظریات و برنامه‌های پیشنهادی و شرایط پیروزی را از دیدگاه مکتب و هدفهای انقلاب اسلامی ایران مطرح و حتی بطور کتبی به شورای انقلاب تقدیم کردیم، به آن نظریات و پیشنهادات اعتنائی نکردند. اما از یکسال بعد از آن که آتسار چنان سهل‌انگاری و غفلت آشکار گردید، و تا امروز که دولت جدید تشکیل می‌شود، همه کسانی که ریشه و علل مشکلات و ضعفها و انحرافات گذشته را بررسی و تحلیل می‌کنند و بر شورا و دولت خرده می‌گیرند، غالباً همان نظریات و تحلیل و برنامه پیشنهادی ما را تأئید مینمایند. امیدواریم خداوند بهمه ما آتقدیر سعه صدر عطا کند که هر رای و نظر درستی را از جانب هر کس بود (اگرچه از گروه و باند ما نباشد) پذیرا باشیم

برای خنثی کردن توطئه‌های امپریالیسم وحدت همه نیروهای پیرو خط امام ضرورت فوری دارد

هشدار دانشجویان مسلمان قشقایی درباره توطئه‌های شوم خوانین قشماپی

بقیه از صفحه ۳

عنابر رحمتکش اعلام تا دلستکی و اسدواری آنها بد ستولین امر محکم و مطمئن باشد.

۳- ضمن تقدیر از خدمات ارزنده و از جان‌کدستی برادران یاسدار انقلاب اسلامی، خواهان تکذیب شایعه خلع سلاح توده عسایر مسلمان و فوج قشقایی بوده و حتی در صورت لزوم عسایر صدیق را در جهت دفاع از قلدریهای خوانین و عوامل داخلی و خارجی بیگانگان مسلح نمایند تا مستحکم باشد بر دهان یاوه‌گویان.

۴- چون تاکنون عسایر مسلمان قشقایی از دست‌آورد‌های مادی و معنوی انقلاب اسلامی ایران محروم بوده‌اند، خواهان اقدامات فوری در جهت حیران و رفاه کامل عسایر از طریق مقامات استانی هستیم.

۵- مرتع یکی از بهترین مشکلات و مسائل دامداری در بین عسایر می‌باشد و چون در آشننامه مربوط به هیئت واگذاری زمین تکلیف موانع مشخص نشده است، از گروه‌های هیئت هفت‌نفره واگذاری زمین و مسئولین مربوطه خواهان هرچه سریع‌تر حل این مشکل بنیادی هستیم. زیرا در غیر این صورت امکان سوءاستفاده ضدانقلاب و در نتیجه رو در رو قرارگرفتن توده عسایر نیز وجود دارد که البته ایجاد چنین جوی تنها به سود دشمنان انقلاب خواهد بود.

۶- از مسئولین ملکی سخاوتمند که در مسائل مربوط به عسایر قشقایی دانشجویان مسلمان قشقایی در جهت بسپرد کار و حل مشکلات مربوطه به منطقه استیاده نمایند.

۷- از عسایر عبور و سلمان قشقایی محروم که فریب خوانین روه صفت را نخورده و هشیاری انقلابی خود را حفظ نمایند، زیرا این خائنین در هیچ دوره‌ای از تاریخ تهنیتا قدم مثبت و مردمی برداشته‌اند، بلکه همیشه بدبختی مسترمی برای مستضعفین عسایر به ارمغان آورده‌اند مطرح شدن مسائل ترک و فارس و عسایری و شهری و خلع سلاح کردن و کله‌دردیهای سیاه و درگیریهای طایفهای کلا" از خائنین ناصرخان و خسروخان و سایر مزدوران آنها می‌باشد. و تاریخ هم وابستگی و سرسردگی اینها را ثابت کرده است.

والسلام دانشجویان مسلمان عسایر قشقایی

روزنامه: روزنامه جمهوری اسلامی - روزنامه انقلاب اسلامی ایران - روزنامه کیهان - روزنامه اطلاعات - هفته نامه امت.

بنام حزب توده برای بسیاری از روحانیون عملی میشد و در این توطئه شوم آنچنان پیش رفتند و موفق شدند که بعضی از مقامات روحانی کودتای ننگین ۲۸ مرداد را نهضت ۲۸ مرداد نامیدند. این قبیل روحانیان همان کسانسی بودند که برای مخالفت با حرکت اسلامی و انقلابی امام خمینی به توطئه مردم‌فریبی از این قبیل که اگر سلطنت شاه واژگون شود، نیروهای غیراسلامی بر ایران مسلط خواهند شد و بهر قیمتی شده باید از رژیم شاه حمایت کنیم، متوسل می‌شدند. در همین جا باید اشاره کنیم که آیت‌الله کاشانی تا قیام سی‌ام تیر نقش خطیر و ارزنده‌ای در حرکت مردم بعیده داشتند و پس از قیام سی‌ام تیر بود که به تدریج کدورتها به اختلاف و تضادهای لاینحلی مبدل شد.

* سوال چهاردهم - با توجه به مسائل یادشده، و با توجه به اصل عبرت در قرآن در شرایط فعلی که توطئه‌های امپریالیسم امریکا علیه انقلاب ایران هر روز گسترش می‌یابد، آموزشی که میبایست از حرکت سوم ۲۸ مرداد بگیریم و آنرا راهنمای حرکت کنونی خود قراردهیم چیست؟

۱- در درجه اول شناخت و بها دادن به اصل اصالت درون و انسان و خویشترن خویش در دو رابطه مطرح است، رابطه اول اینکه تا هنگامی که بر اساس خورهای مشخص ایدئولوژیک - سیاسی از یکسو و خواستها و آرزوها و برنامه‌های مرحلای از سوی دیگر بوجدت و حرکت بیکارچه و بگفته امام خمینی به وحدت کلمه نرسیم، در معرض خطر و آسیب‌پذیری قرار داریم و در رابطه دوم اینکه تا زمانی که عوارض و منتجات ظاهرا و اشتباهها و کج‌اندیشیها و قدرت‌طلبیها و انحصارطلبیهای خود را به دیگران و به عامل بیرونی نسبت میدهیم، عملا از خویشترن خویش چشم پوشیده و باز به نوعی دیگر اصالت را به عامل بیرونی داده‌ایم. از عملکردهای خود و نتایج بیارآمده آنها غافل شده و عامل اساسی همدی ناسامانیتها و شکستها را بقیه در صفحه ۱۱

نتیجه گشته شدن عده‌ای بی‌گناه و ناآگاه و نهایتاً دست‌آویری جهت تبلیغات سو' علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران. فرصتی باند برای خودشان، کدبایجاد محیط ناآرام و متوب خودشان را از این مخمسه نجات دهند.

۵- چون توده عسایر قشقایی مسلمان معتقد به رهبر کبیر انقلاب امام خمینی و حای ریاست جمیور منتخب خودشان حباب بنی‌صدر هستند و در نتیجه خوانین مزدور را از خودطررد کرده و آنها را متروزی نمودند، ولی این خائنین که از طریق جذب توده عسایر تکسب‌خورده‌اند، به دست و پا افتاده و با برداخت صالح هنگفت قصد استخدام مزدور دارند. مانند برداختن بیست از دو میلیون به سهراب‌خان صرغایی کسکوشی و همینطور به همت علی دره‌سوری و غیره از ناآگاهان و محتاجان را تطمیع کرده و آنها را بخدمت خود بگیرند و موارد دیگر: ما دانشجویان مسلمان عسایر قشقایی ضمن حمایت از ریاست‌جمیور منتخب خودمان جناب بی‌بی‌صدر، برادران سیاه‌بساداران انقلاب اسلامی ایران، این فرزندان را سسین و رسید اسلام برای حسنی شدن توطئه این حناسکاران خواهان اجرای فوری موارد زیر هستیم:

۱- جلوگیری سریع از عملی شدن توطئه خوانین قشقایی و گوناوه کردن سرائین مفسدین از منطقه و جلوگیری جلوگیری از این توطئه بزرگ با مسئولین ملکی است. بدیهی است چنانچه مسئولین محترم در این خصوص خدای ناکرده مرتکب اهماال و یا تصور شوند، در مقابل خدا و مردم محروم منطقه پاسخگو خواهند بود.

۲- چون عسایر مسلمان از هر نوع وسیله تبلیغاتی و ارشادی محروم هستند و تنها امکانات برای آنها رادیو سیماست، خواهان اجرای برنامه‌های دررادیو استانیهای که عسایر در آن منطقه سکونت دارند، بنام برنامه عسایر جهت ارشاد و خنثی کردن توطئه در منطقه که بدین طریق محرومیتهای عسایر به گوش هموطنان خود رسیده و اقدامات مردم، دولت جمهوری اسلامی ایران و اطلاعات لازم از این طریق به

فرنها در گلویشان نسخته بود، خودداری کردند. با همه این‌احوال مسئولین امر در خصوص بیان دادن به حرکت ضدبیمه‌ی خوانین که حتی در توطئه کودتای ننگس امریکایی و هسائگی دربینه‌شان بختار خائن نیز همکاری داشتند، سهل‌انگاری کرده و به آنها میدان اخلاص‌گری میدهند، ایک ما به ملت عبور عسایر و هم مسئولین امر هشدار میدهم که ناصرخان و خسرو - خان قشقایی با مزدوران و اطرافیان خود که معدودی از ساوکی و ناراضی از حکومت اسلامی هستند، در تلاشی مذبوحوانه هستند که به حرکت‌های انحرافی و ضد - خدایی و بردستان ادامه دهند که از جمله - میان به موارد دلیل‌آشاره کرد.

۱- ایجاد گروه‌های مسلح باغی که ععدااتن هم‌امسک باشد، جهت راهزنی و نطاع‌الطریق و آزار و اذیت و غارت کردن روساهای مسبر حرکت ایل قشقایی.

۲- ایجاد اختلاف در درون خود عسایر محروم بعنوان حوادار خان و مخالف و ایجاد رعب و وحشت در عسایر قشقایی که در مسبر حرکت عسایر قشقایی، تبعسکاران خان، مخالفان آنها را غارت خواهند کرد.

۳- ایجاد جو شایعه و مسوم بر علیه برادران سیاه‌بساداران انقلاب اسلامی که ساه بساداران می‌خواهند توده مسلمان و عدیق عسایر را که در برابر نظام فتودالی تمام کرده‌اند، خلع سلاح نمایند و بدین طریق حیران مافات نموده و عسایر را بظرف خود جذب نمایند.

۴- در سالهای گذشته عسایری که به بیلاقی می‌آمدند، حداقل دو ماه تابستان را در منطقه بیلاقی به پایان می‌رسانند و سپس به طرف قشلاق حرکت می‌کردند ولی امسال خوانین خائن قشقایی با کلاتران خودفروخته بنایی کرده، جهت سوءاستفاده از احساسات پاک عشیره‌ای و تعصب قومی به آنها امکان پایان کردن حتی تیز ماه را در منطقه بیلاقی نداده و آنها را وادار به حرکت به طرف قشلاق یا گرمسیر کردند و از این بابت دو نیت را قصد عملی کردن داشتند: الف) در مواقع ضروری ایجاد جنگ تحمیلی بر این فشر تقویت اعتماد و

امریکایی غارت شدند و با هزار منت و مشکلات و با استقامت حجت‌الاسلام علی محمد دست‌غیب - به خورای انقلاب اسلامی ایران بعنوان بناهگاه مستضعفین برای احقاقی حق خود آمدند و چندین روز در این مکان متحصن بودند ولی مناسفانه ننی‌چند از مسئولین مملکت هر یک به نحوی این ظلم را توجیه کردند - و حتی رادیو (صدای جمیوری اسلامی ایران) نیز خبر مربوط به آنها را تحریف کرد. آنچنان که انگار ظلمی واقع نشده و حتی ضایع نگشته تا جایی که این مردم ستم‌دیده نومسداوه و دست از پا درازتر به محل خود بازگشتند.

اما ما به گفته قرآن کریم، حلف



آسکار و باطل بابود کست و سرسردگی این خوانین به سازمانهای چینی سنا و ساواک افتاد. شد ولی مناسفانه پس از افشا نیز گروهی از مسئولین مملکت در صدد دفاع از این خودفروختگان برآمدند و حتی خسروخان مزدور را که در جنگال بردردت سیاهیان اسلام، یاسداران انقلاب گرفتار بود، آزاد کردند. وی به فارس فرار کرد و دیدیم چه توطئه‌هایی که در فیروزآباد فارس و سمرم برپا نکرد. و مطبوعات نیز روش ضداسلامی در پیش گرفتند و این سرسپردگان امریکا را بزرگ جلو دادند و بجز بعضی از روزنامه‌ها، بقیه حتی از درج یکی از فریادهای مردم محروم عسایر که

حق آمد و باطل بابود شد، به درستیکه باطل نابودشدی است. "قرآن کریم" پس از آنکه خروس انقلابی توده‌های مستضعف ایران به رهبری امام کبیرمان خمینی بزرگ توانست فرعون زمان را از تخت کبریایی خود بزیرکشد و او را رهسپار زیاده‌دانی تاریخ بنامد، ناصر و خسرو قشقایی این سرسپردگان رژیم مغفور بهلوی و غامبلین سازمان جنایتکار سنا وارد ایران شدند و با ماسک تریبسته مسلمان و سائر بودن و حتی خود را نماینده امام در منطقه معرفی کردن، دست به عوام‌فریبی زدند تا بلکه قدرتی کسب‌کنند و در مواقع لازم بدستور ارباب جنایتکاران دست به توطئه علیه انقلاب کبیر اسلامی ایران بزنند. گرچه از همان بدو ورود این خودفروختگان بزم رنج‌کننده عسایر قشقایی به ماهیت آنها واقف بودند و در مواقع مختلف دست به افشاکری و سنا دادن جهره منافقان این عناصر مزدور می‌زدند و هربوع حرکت انحرافی آنها را دانشجویان مسلمان عسایر قشقایی در نقاط مختلف، برملا نمودند، ولی مسئولین امور آنچنان غول از اسبیا ساخته و چنان در لاک خیالی خود خزیده بودند که هر زمان سخنی در مخالفت و در جهت افشاکری آنها می‌شنیدند، می‌گفتند که اگر اقدامی بر علیه این خائنین صورت بگیرد، از اصفهان تاخلیح فارس به آتوب کسیده خواهد شد.

آقایان مسئولین نهنها افشاکری مردم فهیران عسایر قشقایی را نادیده گرفتند، بلکه در بسیاری موارد جوانان دانشجویان مسلمان و انقلابی عسایر قشقایی را با مارک کمونسیت کوبیدند. بعد از این جریان ایادی فتودالها هر بدای حقیطنی را از جانب توده مسلمان عسایر قشقایی بلند میشد، از جانب کمونسیتها میدانستند و بدین ترتیب جهت سوءاستفاده از احساسات مذهبی توده عسایر و بدین کردن آنها به جوانان مسلمان از هرگونه تلاش مذبوحوانه دریغ داشتند. و شاهد بودیم زمانیکه مستضعفین طایفه دره‌سوری بوسیله ایادی خانهای

بقیه از صفحه ۳

در کودتای...

شمار ملی شدن صنایع نفت در سراسر ایران را تأیید بنماید، چرا که در این صورت اتحاد جماهیر شوروی هم از حق کسب امتیاز نفت شمال محروم می‌ماند. مشکل دوم حزب توده این بود که اتحاد جماهیر شوروی در سراسر جهان و در منطقه در ایران، سیاست تهاجمی و مبارزه برای به‌خطر انداختن منافع انگلستان را در استراتژی خود گنجانیده بود و در آن مقطع از زمان شکل‌گیری رویارویی دو قدرت شرق و غرب، امریکا و شوروی مسئله اساسی روز بود. و شوروی‌ها تلاش می‌کردند که در جبهه اروپا و بخصوص انگلستان از مقابله و رویارویی بهره‌برند بنابراین حزب توده در این بعد هم مبارزه ضدانگلیسی و ضد امپریالیستی دکتر مصدق را تأیید نمی‌نمود.

علاوه بر این، حزب توده بر اساس خود-محوری، گمان می‌کرد که تنها اوست که باید کباده رهبری مردم و مبارزات ضد امپریالیستی را بدوش بکشد و نمی‌توانست رهبری دکتر مصدق را در این حرکت عظیم باور داشته و به‌ذیروند. در تأیید آنچه گفته شد تنها کافیسث اشاره کنیم که حزب توده به اشاره اتحاد جماهیر شوروی چندین سال از گسترش تشکیلات منطقه‌ای خود در مناطق نفوذ انگلیسی‌ها در جنوب و خوزستان خودداری نمود و به این ترتیب جوع آسیزی را که اتحاد جماهیر شوروی برای انگلستان روشن کرده بود، رله کرد.

* سوال نهم - تورور رژیم آرا توسط فدائیان اسلام چه نقشی در مبارزات علی شدن صنایع نفت داشت؟ - در مجموع تورور رژیم آرا که در پی سازش و مصالحه بر اساس قرارداد جدید نفت با انگلستان بود در رشد و اوچگیری حرکت مردم سهم بسزائی داشت چرا که انگلیسی‌ها در پی

مرداد برای امریکا به بهای گران‌متلاشی شدن جبهه درونی مردم شکل گرفت. * سوال دوازدهم - آیا بنظر شما دکتر مصدق و اطرافیان او صلاحیت رهبری یک مبارزه ضد امپریالیستی را در شرایط سالهای ۱۳۳۰ داشتند یا خیر؟

- بحث صلاحیت را بخصوص اگر در مورد تک‌تک افراد مطرح کنیم تاگزیر از آن هستیم که مورری بر عملکردها و بینش‌ها و خصلت‌های افراد ضائیم. دکتر مصدق چه در دوران قبل از نخست‌وزیری و چه در دوران نخست‌وزیری، در دادگاههای نظامی شاه و در زندان قلعه احمدآباد، حداقل این مسئله را بدون هیچگونه تردیدی به اثبات رساند که در میان همه اطرافیان خود یک سرورکردن رشیدتر و استوارتر است. در قلعه احمدآباد وقتی به مبارزات قهرمانانه خلق مسلمان الجزایر آگاهی یافت به مردم ایران در اوج خفگان و اختناق پیام داد که مردم ایران هم راهی جز راه خلق الجزایر ندارند در دادگاه نظامی در کمال جوانمردی و مردانگی مسئولیت بسیاری از اطرافیان بیوفا و ناپایدار خود را پذیرفت و این نموداری از ایمان و اعتقاد او به پیروزی نهائی مردم ایران بود. کودتای ۲۸ مرداد نتوانست آزاده خلل ناپذیر دکتر مصدق را در زیر آوار شوم خود درهم شکند و او از بهدادگاههای نظامی شاه هم بسرای مردم پیام مقاومت و امیدواری می‌فرستاد. جز شهید دکتر حسین فاطمی، دیگر اطرافیان دکتر مصدق هرگز استواری عقیده و پایمردی در راه او نداشتند و بسیاری از آنان از کودتای ۲۸ مرداد تا امروز نشان دادند که مرد میدان مبارزه و جهاد نیستند و بهمین دلیل آنان نتوانستند بعد از دکتر مصدق نهضت‌های مردمی را رهبری کنند. نهنها نتوانستند رهبری کنند بلکه در بسیاری از موارد با طرح نظریه‌ها و شعارهای انحرافی از جمله شعار اتخاذ سیاست صبر و انتظار بعد از قیام خونین مردم در ۱۵ خرداد، به کل حرکت مردم ضربه‌هایی هم وارد ساختند.

* سوال سیزدهم - نظر شما در مورد ریشه‌های اختلاف در میان دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی چه بود؟ - در این مورد با کمال تاسف باید گفت

آن بودند که همچنانکه در سال ۱۳۱۳، در مجلس قرارداد سال ۱۹۰۱ را با دستکاریهای سطحی برای شصت سال دیگر تضمین نمودند، اینبار هم با تأیید مجلس و به اصطلاح قوه مقننه با تغییرات ظاهری و سطحی مشروعیت و قانونیت جدیدی به این قرارداد شوم و منحوس بدهند.

* سوال دهم - آیا ماهیت شاه و دربار برای توده‌های مردم کلا" روشن بود یا خیر؟ - ماهیت استبداد سلطنتی و دربار برای بسیاری از مردم در کودتاهای بی‌دری محمد علی شاه علیه مردم و در کودتای انگلیسی رضاخان در سال ۱۲۹۹ و فرار فخت‌پار رضاخان در سال ۱۳۲۰ و توطئه‌های بعد از آن روشن بود و نهضت ملی ایران در روشن کردن هرچه بیشتر ماهیت دربار نقش مهمی ایفا نمود، بخصوص بعد از قیام خونبار سی‌ام تیر سال ۱۳۳۱ که علاوه بر ماهیت ضد امپریالیستی ماهیت ضد درباری و ضد استبدادی هم تجلی نمود.

* سوال یازدهم - نقل شده است از قسول مقامات رسمی امریکا که کودتای بیست و هشتم مرداد ایران کم‌خروج‌ترین کودتاها برای امریکائیها بوده است، نظر شما در این مورد چیست؟ - باید گفت در آستانه کودتای ۲۸ مرداد وحدت و یکپارچگی جبهه درونی مردم بشدت گرفتار تشمت و تفرقه و تزلزل و ازم پاچیدگی بود. علاوه بر ضعفها و خطاهای اساسی که کل نهضت گرفتار آن بود و در پاسبخهای قبلی بدانها اشاره شد، استراتژی انحرافی حزب توده از یک طرف و جدائی و اختلاف آیت‌الله کاشانی از سوی دیگر و رویارویی و اختلاف میان شخصیت‌ها و گروهها و احزاب همچنین بهما ندادن به شکل‌های ضد انقلابی و توطئه‌هایی که هر کدام می‌توانست به نوبه خود هنداری برای نهضت ملی باشد از جمله توطئه نهم اسفند و توطئه رو بودن و قسول نا-انمردانه سرتیب افشارطوس، توسط باند دکتر مظفر بقائی، نهضت ملی را از درون متلاشی ساخته بودند و در این میان مردم هم به تدریج اعتماد خود را به یکپارچگی حرکت از دست می‌دادند. در حقیقت نباید گفت، اوزان تمام شدن قیمت کودتای ۲۸

مبارزه علیه فتودالیزم را با قاطعیت بسراسر کشور گسترش دهیم

دیدارهایی الحسن بابرادران جنبش مسلمانان مبارز

بقیه از صفحه یک

بازره سیاسی درو می‌کند. ما از بازنده سال پیش با تفنگ داریم می‌جنگیم، ما بدون تفنگ هیچگاه وارد فلسطین نخواهیم شد. آن کسی که یک جو سیاسی ملایم برای تفنگ نمی‌سازد، بیروز نمی‌شود. مبارزه سیاسی یک جو بهتری برای مبارزه میسازد. مثلا وقتی اقتصاد اسرائیل از بین رفت یعنی اینکه جامعه‌اش از بین می‌رود و نباید تعجب کنیم که اگر بگوئیم یکروز یک انقلاب اجتماعی در اسرائیل بوجود آمده و اگر یک جنگ محلی در اسرائیل رخ دهد، ما باید آماده باشیم که از آن جنگ محلی استفاده کنیم. ما باید یک ظرفی سازیم، یک جوی سازیم که اقتصاد اسرائیل از بین برود آتوقع دیگر جو خوبی است برای از بین بردن اسرائیل.

در اسرائیل یهودیان سیاه وجود دارند و یهودیانی که اصلشان عرب است و آنها فرق می‌گذارند بین ما و اسرائیل. آن یهودی که از اروپا آمده فرق می‌کند با آن یهودی که از شرق آمده، تبعیض قائل می‌شوند، هر موقع که این ضد و نقیضها بیشتر شد، کار ما آسانتر می‌شود. دو سیاست، دو کارتل وجود دارد: کارتل جنگ و کارتل نفت. کسانی که آهن می‌فروشند کارشان خوب می‌شود، موقعی که جنگ اتفاق می‌افتد، ولی کارتل نفت بطح احتیاج دارد که بفروشی برسد و این بعنوان یک جنگ در جامعه سرمایه‌داری شروع شده. و مثلا قسه واترگیت را ما می‌دانیم، اصلش در اینجاست، تنکسون از کارتل نفت است جانسون از کارتل آهن، بخاطر این جانسون جنگ برانجام باوج رساند. و کندی کشته شد چون میخواست از ویتنام عقب‌نشینی کند. درباره اروپا فعلا در حالت ضد و نقیض با امریکاست چون سیاست امریکا به منافع اروپا در منطقه لطمه میزند. ما باید از این فرصت استفاده کنیم. البته کار سیاسی فقط، سرزمین را آزاد نمی‌کند، مبارزه سیاسی خوست اگر مبارزه مسلحانه وجود داشته باشد. و اگر مبارزه سیاسی نکنیم، مبارزه مسلحانه فایده‌ای ندارد، از بین می‌رود.

بزرگ دارد و ما می‌گوئیم اسلام برای همه است چون اسلام برای همه است. * سیاسی که موجب بشود اروپا بخاطر منافع اقتصادی و هم‌چنین امریکا بخاطر منافع در منطقه از اسرائیل ناسد شود، لازم‌ش اینست که کشورهای عربی یا فلسطینی منافع او را تضمین کنند، یعنی بگویند که اگر اسرائیل دست برداری، ما منافع تورانامین می‌کنیم، نفت را اجازه می‌دهیم جریان پیدا کند به عرب، یعنی همان کاری را که اسرائیل می‌کند ما برابرت می‌کنیم.

ما فکر می‌کنیم که اروپا قانع بشود، ولی فکر نمی‌کنیم که در آینده نزدیک امریکا قانع بشود.

* اگر قانع شد، می‌خواهد عملاً نقش اسرائیل را بپذیرد؟

بعد از گرفتن سرزمین خودمان؟

* آیا این سیاست به این معنا نیست که شما قبول می‌کنید منافع اروپا و امریکا را در منطقه تضمین کنید و وقتی که به‌شخصیت‌ها گفته میشود که از اروپا بخواهند اسرائیل را رها کند، آیا آنها در مقابل نمی‌خواهند که منافع آنها از جانب این کشورها تضمین شود و آیا اساساً این سیاست مورد قبول ملت‌های عرب هست؟

منافع آنها الان علیرغم میل ما این منافع نامین است، ما اتزی نمی‌گذاریم، از لحاظ منفعی اثر می‌گذاریم، ما چون چیزی

می‌خواهند وارد لبنان بشوند، البته یکمک امریکا. نه فقط بخاطر ضربه‌وارد کردن به فلسطینی‌ها بلکه برای اینکه می‌خواهند لبنان وارد توطئه کمپ‌دیوید شود. و آنها می‌خواهند آب رودخانه لبنانی که در لبنان هست بگیرند. چون فعلاً اسرائیل خیلی تشنه است، به آب احتیاج دارد. سادات به آنها آب رودخانه نیل را خواهد داد - شروع کرده و می‌دهد - ولی رودخانه نیل همچنان که میدانیم از فلسطین دور است. آنها چکار خواهند کرد وقتی مثلا رژیم سادات از بین برود و یک رژیم دیگر بیاید؟ بخاطر این می‌خواهند آب رودخانه لبنانی را بگیرند، چون به آنها خیلی نزدیک است، تا اینکه مثلا فردا بعنوان یک تصمیم جهانی بشود که این آب مشترک است بین اسرائیل و لبنان! و این سبب جنگ است در جنوب لبنان و در همه لبنان تقریباً - یعنی این سبب شده که در جنوب لبنان و در همه لبنان جنگ وجود دارد.

بشیر حمایت اسرائیل را برسمیت می‌شناسد و ایشان موافقت کردند که در آینده اسرائیلی‌ها بیایند در شمال بیروت تا به ایشان کمک کنند که بقول خودشان لبنان را تمیز کنند، ما در چند ماه آینده در دو محور خواهیم جنگید: یک محور اینکه دفاع کنیم از حمله احتمالی اسرائیل و محور دیگر اینکه در سرزمین اشغالی باید کمک کنیم که همان انقلاب توده‌ای که در سرزمین اشغالی هست ادامه پیدا کند و به اوج خود برسد. موقعیت ما خیلی خوب است، مخصوصاً در سرزمین اشغالی. شبت

آنها را نمی‌گذاریم که آنها با آن کشور رابطه تجاری داشته باشند. همان چیزها از لحاظ مادی به ما کمک می‌کند. باز هم اسرائیل از لحاظ میزان تجارتي یک خرده ضعف شده.

* کشورهای افریقای که می‌گویند مثال بزنند.

اوگاندا - کنیا - افریقا و بعضی از کشورهای دیگر.

ما در چندماه آینده در دو محور خواهیم جنگید. اول محور دفاعی در مقابل حمله احتمالی اسرائیل، و محور دیگر کمک به اینکه انقلاب توده‌ای در سرزمین اشغالی ادامه پیدا کند و به اوج خود برسد.

میزان تورم در اسرائیل از لحاظ بودجه ۱۲۸ درصد شده، این اشکالات اقتصادی بزرگی دارد برای آنها. در توطئه کمپ‌دیوید اگر اسرائیل از امریکا پول زیادی نمی‌گرفت، بخاطر این توطئه وضع اقتصادی‌اش الان خیلی بد بود. باضافه اینکه مشروعیت جهانی را از دست می‌دهد. این برای ما مهم است. برای آزاد ساختن کشور با سرزمین این مشروعیت جهانی خیلی مهم است. از موشه‌دایان پرسیده شد بنظر شما بزرگترین پیروزی برای فلسطینی‌ها چه بوده گفت: آنها پیروز شدند که جهان آنها را برسمیت شناخت، بعنوان سازمان آزادبخش. ما الان خودمان را آماده می‌کنیم، و ما در حالت آمادگی هستیم که جنگ احتمالی آینده

* استرازی فعلی سازمان آزادبخش فلسطین بعد از این کنفرانس آخر میخ. در مورد فلسطین الان در چه وضعی است؟

جواب: کنفرانس آخر ما تجربه ما را در ۹ سال پیش بررسی می‌کند. آنچه باقیم، اینکه ما خیلی موفق شده‌ایم در سال ۱۹۶۵ که خط‌مشی مبارزه مسلحانه را شروع کردیم، درباره آوارگان فلسطینی صحبت می‌شد، و امروز درباره مبارزان

فلسطینی صحبت می‌کنند. در سال ۱۹۵۴ بررسی مسئله فلسطین از برنامه سازمان ملل حذف شد ولی امروز مسئله فلسطین یک مسئله بزرگی است در سازمان ملل. و این نشان میدهد که ملت فلسطین را برسمیت شناختند. برسمیت شناختن ملت فلسطین چیز مهمی است.

مسئله فلسطین یا مسئله کشورهای عربی و مسائل جهانی مربوط است. اما ما میدانیم که فلسطین در قلب سرزمین‌های عربی - با وجود اسرائیل در فلسطین - یک مسئله مهم و خطر برای امریکاست، محور اساسی است، ستون فقرات است. سرکوبی اسرائیل معنی‌اش اینست که جبهه امریکا و جبهه اروپا را ما داریم سرکوبی می‌کنیم.

ما وقتی اسرائیل را می‌زنیم، نفت آزاد می‌شود، و جنگ درباره فلسطین، کمک جهانی است.

اگر می‌خواهیم اسرائیل را بزنیم با لطمه‌وارد کنیم به اسرائیل، ما باید اسرائیل را از اروپا و امریکا منزوی کنیم، جدا کنیم. جدا کردن اسرائیل مهم است، بیشتر از یک راه وجود ندارد، که ما اسرائیل را از امریکا و اروپا جدا کنیم. کاری که ما میتوانیم بکنیم، این است که امریکا و اروپا احساس کنند که دیگر اسرائیل برای منافع آنها کار نمی‌کند. یعنی میتوانیم اینکار را بکنیم، وقتی منافع امریکا و اروپا را در منطقه بخاطر بیاندازم، و ما در این زمینه خیلی راه رفتیم.

مثلاً رابطه فرانسه با اسرائیل خیلی خوب بوده و مثلاً هر کشوری که می‌خواهد از کشورهای خلیج، نفت با رابطه تجاری داشته باشد، ما بتوافق می‌رسیم با کشورهای خلیج با آنها را تهدید می‌کنیم که هیچ رابطه‌ای با آنها نباید داشته باشید، مگر اینکه آنها ما را برسمیت بشناسند.

زینسگر درستن حق ما در تعیین سرنوشت خودمان را قبول کرد و پذیرفت. الان می‌بینیم که روابط بین اسرائیل و فرانسه آنقدرها خوب نیست. ما مثلا از نظر قیمت نفت همیشه سعی می‌کنیم که قیمتش دست ما باشد، یعنی هرطوری که می‌خواهیم قیمت تعیین می‌کنیم.

* چهجوری؟! چهجوری فلسطین میتواند این کار را بکند؟

ما با این کشورهای خلیج یا به توافق می‌رسیم یا از لحاظ دیگر فشار می‌آوریم روی آنها.

یا با توافق یا با تهدید. در سازمان ملل در کنفرانس اخیر که ۱۱۲ کشور به رای بدهند، این برای ما یک چیز خیلی بزرگی است. فقط ۷ کشور به اسرائیل رای دادند و ۱۱۲ کشور به رای دادند. دو کشور از این ۷ کشور یکی اسرائیل بود و امریکاست. ما اگر بتوانیم - اگر موفق بشویم - ترکیه قطع رابطه با اسرائیل بکند، این هم یک پیروزی برای ما است. هم از لحاظ تجاری، هم از لحاظ جغرافیایی آنرا جدا می‌کنیم، ما آنها را اگر موفق بشویم، از هم جدا می‌کنیم، و ما در این راه داریم کار برمی‌داریم.

برادران ما در بعضی از کشورهای افریقای بحای اسرائیلیها، حایشان را گرفته‌اند، جای کارشناسان را ما گرفتیم. همانطور که وقتی ما آنجا وارد شدیم دیگر



* آیا شما در مبارزه علیه اسرائیل روی ملت‌های عرب حساب می‌کنید؟

ما وقتی مبارزه مسلحانه خودمان را شروع کردیم، فکر می‌کردیم که مبارزه ما باید در ابتدا فلسطینی باشد. بعداً میشود فلسطینی - عربی، بعد فلسطینی - عربی - اسلامی. چون این مسئله (مسئله فلسطین) بیشترت نمی‌کند، بجز اینکه از لحاظ جغرافی باشد و ما در این زمینه موفق شده‌ایم. در صفوف سازمان آزادبخش فلسطین جنگجویانی هستند از همین کشورهای عربی. بخاطر این بعضی رژیم‌های عربی در وجود ما خطری برای خودشان می‌دیدند. ما امیدوار هستیم که جمهوری اسلامی ایران ما ببینوند، در جبهه نبرد ما با اسرائیل تا حرف ما درست بشود، اسلامی بشود.

* در حال حاضر که بعضی دولت‌های ارتجاعی منطقه مثل عربستان و شیخ نشینان، به فلسطین از نظر مالی کمک می‌کنند، آیا شما به این دولت‌ها اصالت می‌دهید یا ملت‌ها؟ و آیا شما در آزادی فلسطین، به آزاد شدن این ملت‌ها از حکومت‌های ارتجاعی اهمیت می‌دهید یا نه؟ و آیا فلسطینی‌ها باید برای سقوط این دولت‌ها به حشش‌های آزادی‌بخش منطقه کمک بکنند یا نه؟

این سوال خیلی مهمی است و ما در سازمان الفتح یک تئوری بخصوص در باره این موضوع داریم. ما از ۱۵ سال پیش که مبارزه مسلحانه خودمان را شروع کردیم، دیدیم که خاموشی ملت‌ها روی ترس از اسرائیل است و عکس این صحیح نیست. و اسرائیل از رژیم‌های مرتجع و از عقب‌ماندن ما پشتیبانی می‌کند. وقتی ما به اسرائیل حمله کنیم و اسرائیل را خسته کنیم، این کمک می‌کند که جنبش‌های دیگر بپاخیزند و

نداریم به آنها بدهیم، جبهه‌ای را که آنها می‌گیرند، تهدید می‌کنیم. البته وقتی سرزمین خودمان را آزاد کردیم، آتوقع در آینده صحبت می‌کنیم.

* ما فکر می‌کنیم که انقلاب فلسطین بقول خود برادران ما سرعفات اصعب - الثورات است، یک انقلاب خیلی عظیم و مشکلی است و پیروزی شما در حقیقت منافع امریکا را در منطقه بخاطر بیاندازد، یعنی اینکه منطقه را به آتش می‌کشد، شما در یک چنین تضاد و تناقضی با امریکاستم امریکا هستید، فکر می‌کنید استرازی امریکا با این حالت شما، حالت سلامت‌آمیز یا توافق به خودش بگیرد؟ ما اینجوری فکر می‌کنیم، ما فکر می‌کنیم تضاد شما با آنها بدلیل اینکه انقلاب فلسطین اهمیت زیادی در منطقه دارد، خیلی بزرگ است.

ما از اول گفتیم که این جنگ ما مثل یک جنگ جهانی است؛ ما در سازمان الفتح می‌گوئیم که مبارزه مسلحانه کثت می‌کند و

ما هم‌اکنون خودمان را آماده می‌کنیم و در حال آماده‌باش هستیم تا حمله احتمالی آینده، یعنی همان حمله اسرائیل را دفع کنیم

ما یک دست واحده است. درست است از لحاظ فکری یک گرایشات مختلفی دارد ولی از لحاظ وحدت همه ما متحد هستیم، ضد صهیونیسم.

در لبنان الان سعی می‌کنند که یک جنگ ظایفای درست کنند، از لحاظ مسئله شیعه بودن یا سنی بودن، یا شیعی - فلسطینی، یا درزی - شیعی. این جنگ ظایفای یک مقدمه‌ای برای حمله اسرائیل خواهد بود، ولی انشاءالله این توطئه پیروز نخواهد شد. انشاءالله از این توطئه بیرون می‌آئیم. و الان ایران یک مسئولیت

یعنی همان حمله آینده اسرائیل بما را دفع کنیم. چون امریکا الان در منطقه یک مانع دفاعی جدید میسازد که محورش اسرائیل با رژیم سادات است. این محور باید تا ترکیه و تا سومالی امتداد پیدا کند و همانطور از روی این باید بفهمیم جنگ اوگاندا را، مسئله اوگاندا را. کودتا یا انقلاب که درست شده، بخاطر این است که یک سلسله، یک زنجیری باشد که برسد به بعد. یعنی از لحاظ جغرافی یک زنجیر جغرافیایی باشد از اوگاندا تا مصر. یک زنجیر جغرافیایی باشد از مصر، سودان، اوگاندا، کنیا، سومالی - چیزی که مشکل امریکایی‌ها می‌خواهند برگردند به مرزهای شوروی. اگر اینطوری می‌خواهند بکنند باید از سرزمین اشغالی فلسطین، لبنان، سوریه، ترکیه، همینطور بگذرد - یا اردن، سوریه، ترکیه، آنچه که می‌خواهند الان، لبنان، سوریه، ترکیه است. بخاطر این فعلا خیلی اشکالات در سوریه هست. اسرائیلیها می‌خواهند لبنان را تصرف کنند و

ما با تفنگ می‌جنگیم و بدون تفنگ هیچگاه وارد فلسطین نخواهیم شد الفتح

رشد یابند و نمو کنند. و این عربی نیست که بعد از ۱۵ سال که ما جنگ مانرا شروع کردیم، عربها شروع کردند به حرکت. امروز وضع عربها منززل است! در همان موقعی که ما داریم بر علیه اسرائیل می جنگیم هر قطبی باید برای خودش کار کند تا خودش را آزاد کند. چطور ما با همین نیروها مثلا معامله کنیم؟ این بستگی دارد به موقعیت آنها. ما بعضی وقتها میتوانیم به این نیروها کمک کنیم و بعضی وقتها نمی توانیم - ولی هیچ موقع نباید ضد این نیروها عمل کنیم.

مثلا ما به نیکاراگوئه کمک کردیم و شما دیدید که چطور از برادر ابوعمار استقلال کردند. آیا ممکن است که ما هر جایی که ما یک قدرت استراتژی بدهد، ما آنها را کمک نکنیم؟ بعضی از جنبشها میخواهند ما آنها را فقط به سخن پشتیبانی کنیم،

اگر بخواهیم برگردیم به جنگ کلاسیک، معنی این نیست که در دست ابوقدرتیا خواهیم افتاد.

آیا این نیاز به اسلحه و اینکه شما برای تاسیس اسلحه خود به قدرتهای بزرگ منگی باشید. و برای جنگ با اسرائیل مجبور شوید از شوروی اسلحه بگیری. دلیل این است که به جنگ توده‌ای کمتر بها میدهند؟ در صورتیکه اگر جنگ توده‌ای باشد، نیاز در این حد سلاح کمتر است.

در مقاومت توده‌ای کسی نمی تواند از شما ناچ بگیرد (بهرعنوان) ولی در جنگ کلاسیک شما مجبور میشوید که وابسته بنویید به همان کسی که شما را مسلح می کند. ولی منافذانه کسی که هم پیمان اسرائیل است، همیشه به او اجازه میدهد که همیشه حمله کند. ولی کسی که هم پیمان با عربهاست، همیشه به

ما در سازمان الفتح می گوئیم که مبارزه مسلحانه کشت می کند و مبارزه سیاسی درو می کند و از پانزده سال پیش با تفنگ می جنگیم و بدون تفنگ هیچگاه وارد فلسطین نخواهیم شد.

آنها اجازه میدهد که از خود دفاع کنند.

اگر دول عربی می گذاشتند اسرائیل وارد خاک کشورشان شود، و آنجا را اشغال کند. قطعا آنجا گورستان اسرائیل میشد.

ما از پیشروی نیروهای اسرائیل هیچ ترسی نداریم. ما میگوئیم که عیب نیست اگر وارد خاک ما بشوند ولی عیب بزرگی است اگر آنها زنده از این خاک بیرون بروند. این یک قدرت معنوی بزرگی احتیاج دارد و باید باتوندها و ملت خیلی در ارتباط باشیم.

اینجاست که عامل مذهب اگر مورد توجه قرار گیرد، نقش مهم و تعیین کننده‌ای دارد. بخصوص در مورد ملت‌های عرب، همانطوریکه در ایران تجربه شد. میدانید که مردم ما از نظر سلاح و سازماندهی در برابر رژیم شاه خیلی ضعیف بودند، تنها چیزی که مردم را غلبه بخشید، همان نیروی ایمان مذهبی‌شان بود. البته نمی خواهیم بگوئیم که شرایط همه ملت‌ها یکی است، ولی ملت عرب که در صدر اسلام یکبار توانست با ایمان مذهبی در مقابل امپراطوری روم و ایران مقاومت بکند، آیا فکر نمی کنید که هنوز چنین زمینه ایمانی وجود داشته باشد و بتواند چنین بسج توده‌ای را بوجود آورد؟

ما به این عامل مذهبی خیلی ایمان داریم و در بند شماره ۱۴ در آئین نامه ما ذکر شده.

آزاد کردن فلسطین واجب است. چرا ما این حرف را می گوئیم؟ چون دشمن ما از لحاظ تاریخی از اوایل سعی میکرد از لحاظ دینی و مذهبی فلسطین را جدا کند و ما باید همه را متحد کنیم بر ضد دشمن. بخاطر این ما میگوئیم همین عوامل دینی و مذهبی باید ما را در حالت آماده باش نگه دارد، برای آزاد ساختن فلسطین. همینطور ما حول این شعار که گفتیم میتوانیم همه نیروهای مذهبی را متحد کنیم، درست است که مسلمانها بیشترند ولی باز هم مسیحیان هستند. آنها همه بخاطر آزاد کردن وطن می جنگند، در کنار همدیگر.

زیادی در منطقه هست و ما در معرض آنها قرار می گیریم - آن گرایشاتی یعنی بعضی فلسطینی‌ها از بعث سوریه طرفداری میکنند. بعضی هم از بعث عراق. و یک گرایش دیگر هم گرایش مذهبی است. ما بخاطر این تکیه می کنیم در کلمه جهاد. چون ما فعلا یک انقلاب اجتماعی نداریم. چون ما یک کشوری نداریم و نباید راجع به چیزی بحث کنیم و اختلاف با هم پیدا کنیم وقت امکان این کارها نیست. ما نمیتوانیم ملت ما را برکنیم که یک برنامه اقتصادی برای خودشان درست کنند، چون مرحله فعلی مرحله آزادیبخشی است. و ما فکر می کنیم که همان اشکالاتی که هست، اگر سعی نکنند حلش کنند، آن حرکت نمیتواند ادامه پیدا کند. چراهم گروهها و همکاران عربی از بین رفته (مطرح با ضعیف شده) چون ایشان میخواهند کارهایی بکنند که محال بوده، که عملی نبود. فکر مذهبی در منطقه ما گرفتاریهای بخصوص دارد، فکر مذهبی فقط در اتاقها بود، به بیرون نرفته. الان موقعیت دارد عوض میشود. ما ارزش معنویات را میدانیم، انقلاب فلسطین هیچ موقع بدون سلاح بیروز نمی شود و سلاح دو نوع است: یک معنوی و دیگری سلاح معروف (اسلحه). در پایان انقلاب قدرت در دست همان است که

میتواند دشمن را نابود کند. مثلا وقتی ارتش ایران از بین رفت، شاه سقوط کرد. و وقتی ارتش اسرائیل پراکنده بشود، حتماً اسرائیل از بین خواهد رفت.

مثلا شما درایوان میتوانستید در داخل ارتش سازمانی بر علیه شاه درست کنید.

مثلا اگر افسران متحد کنند، همه نقشه‌ها خراب میشود. ما نمی توانیم در ارتش اسرائیل یک سازمانی درست کنیم. چون آن ارتش میخواهد که از یهودیان و از خودش حمایت بکند. ارتش اسرائیل از لحاظ فکری و مذهبی با ما نیست و با ما فرق دارد، ما فقط با جنگ میتوانیم ارتش اسرائیل را نابود کنیم. جنگجویان ما کسانیکه با آر - بی - جی مسلح هستند، کسانی هستند که از لحاظ معنویات خیلی بالا هستند و روحیه قوی دارند میتوانند تا یک دشمن را نابود کنند. ما در فتح میگوئیم که اسلحه چیز مهمی است. ولی چیزی که از اسلحه خیلی مهمتر و قاطع تر است انسان است، تعیین کننده انسان است.

این احتمال وجود دارد که فروکشیدن مسئله فلسطین، ملت‌های عربی را دچار نوعی بی تفاوتی کند، در صورتیکه این امر برای خود فلسطینها که برای سرزمینشان می جنگند پیش نمی آید، اما بهر صورت در اثر تبلیغات، مستقیم و غیرمستقیم ممکن است این حالت بی تفاوتی در میان ملت غیرفلسطینی عرب بوجود آید. مانند مصر که در اثر حضور سادات، بعضی از مردم مصر می گویند مسئله فلسطین چه ربطی به ما دارد. بنابراین انگیزه فلسطینی بودن که شما را مشتاق به ادامه جنگ می کند، در بین ملت عرب وجود ندارد، در صورتیکه اگر عامل مذهبی در بین ملت‌های عرب که مسلمانند، رشد کند، آتوقوت روی انگیزه مذهبی حاضرند برای آزادی فلسطین بجنگند، لذا دو سوال مطرح است:

اول اینکه شما نسبت به این مسئله علاوه بر آن بند ۱۴ که گفتید، آیا برنامه مشخصی دارید که بتوانید این عامل را بطور جدی در بین مردم عرب تقویت کنید؟ دوم اینکه در انقلاب ایران بهرحال عامل مذهبی تاثیر مهمی داشته، این عامل تا چه اندازه در رشد شعور مذهبی، چه در فلسطینها و چه در سایر مردم عرب موثر بوده است.

ملتها کمک بکنیم که عمل بکنند. مثلا ما در سرزمین اشغالی از این عامل زیاد استفاده می کنیم ولی اگر از این عامل در لبنان می خواستیم استفاده کنیم، برای ما خیلی اشکال داشت، چون ما اهل لبنان نیستیم و منافسانه در لبنان از روی طوایف صحبت می کنند.

حالا که صحبت لبنان شد، الان وضع مردم لبنان نسبت به قضیه فلسطین چه جور است؟

در مورد ملت لبنان، ۶ سال جنگ داخلی خیلی خسته کننده است و بخاطر این خدای سبحان الله تعالی در قرآن کریم میگوید: "کتاب علیکم القتال و هو کره لکم" (بقره ۲۱۶) جنگ نوشته شد بر شما اگرچه از آن بیزارید - سوال اینست که آیا ملت لبنان بعد از ۶ سال جنگ همه چیز را رها کنند؟ بشیر خلیل با اسرائیل پیمان بست. آیا ما چون خسته هستیم، اجازه میدهم که بشیر خلیل و اسرائیلی‌ها لبنان را کنترل کنند؟!

احساس ملت لبنان چیست؟

یک نیرویی بعنوان ملی در لبنان وجود دارد که تئوری ما را قبول دارند. و البته نیروهایی وجود دارند که حرف ما را قبول دارند. در لبنان چیزی که خیلی مشکل است اینست که مسئله الان در لبنان مسئله صرفاً لبنانی نیست. همین الان این قضیه مسئله عربی شده و مسئله جهانی شده. یعنی عرب در این مسئله دخالت دارد.

یعنی عرب الان در لبنان درگیر شده؟ بله، کشورهای دیگر هم دخالت دارند. امریکا و اسرائیل فعلا یک راهحلی برای لبنان قبول نمیکنند، نمی خواهند حل شود. چون فعلا نمی توانند لبنان را داخل کب دبیوید بکنند، راهحل را الان بعقب می اندازند، تا روزی که آنها قادر شوند لبنان را بطرف خودشان بکشند. مثلا به ارتش لبنان اجازه ندهند وارد جنوبش بشود. اسرائیل اجازه داده که فقط ۱۵۰۰ نفر بعنوان ارتشی وارد جنوب لبنان بشوند

در یک محله‌ای که ساکنانش شیعی هستند ولی بیشترش فلسطینی در آن محله ساکن هستند وارد کنند. یا مثلا عکس، یک کاری می کنند ضد فلسطینی هادر جایی که بر از جمعیت شیعه است، گوشش میکند که بین اینها فتنه بیندازند ولی ملت آگاه است. برادران شیعی که جنگ میکنند در صفوف الفتح، بیشتر از احزاب دیگر هستند. یعنی در الفتح بیشتر از گروههای دیگر شیعه هستند. توطئه الان، توطئه

ما در سازمان آزادیبخش فلسطین جنگ کلاسیک یعنی تعادل اسلحه را قبول نمی کنیم، بلکه به جنگ توده‌ای ایمان داریم.

جاسوسی است. کس و ...

علاوه بر محافل صهیونیستی چه محافل‌های مغالط و توطئه‌ها را تحرک می کنند؟

استخبارات لبنان، رکن ۲ نقش بزرگی دارند. ما نباید فراموش بکنیم که در میان فالانژیست‌ها از عمال و جاسوسان اسرائیلی وجود دارند. این کمک میکند که آنها بیشتر بهم نزدیک شوند.

ما در ایران فکر می کنیم که انقلاب فلسطین در مرحله تثبیت است، یعنی تثبیت شده. هم تثبیت شده، هم توده‌های مردمی شده، در سرزمینهای اشغالی و هم در سراسر جاهایی که فلسطینی‌ها هستند، تثبیت شده و جنبه توده‌ای و مردمی هم پیدا کرده، و همین لحاظ فکر می کنیم که امریکا بهرحال قدرت نابودی و ریشه کن کردن انقلاب فلسطین را ندارد. ولی در قبال این بر اساس همین قدرتی که انقلاب فلسطین دارد، فاعداً باستی از امریکا این انتظار را داشت که در پی این باشد که انقلاب فلسطین را بسازش بکشاند. حالا با بوسلیله حکومت‌های ارجحی مطلقه، یا بوسلیله توطئه‌هایی که خود امریکا برپا می کند، سوال اینست که آیا علائم و شواهدی دیده شده که امریکا در پی بسازش کشاندن انقلاب فلسطین باشد یا نه؟ اشتباه نشود! ما اعتقادمان این نیست که انقلاب فلسطین به ساری کشیده شده یا



می شود.

ما از پیشروی نیروهای اسرائیل هیچ ترسی نداریم ما می گوئیم که عیب نیست اگر اسرائیل وارد خاک ما بشود ولی عیب بزرگی است اگر آنها زنده از این خاک بیرون بروند - این یک قدرت معنوی بزرگی احتیاج دارد.

مثلا ما می بینیم که عامل مذهبی و دینی یکی از عواملی است که بهرحال مردم را تحریک می کند، همین کالاها که کسان و احزاب و گروههایی که میخواستند این عامل را از بین ببرند و موفق نشدند. این عامل پیروزی شد. مشکلات این عامل بیشتر در عربها هست که بعنوان دینی و مذهبی حتی مبارزه و رهبری نمی کنند. بخاطر این کسانی که نماینده این عامل هستند، برای رشد این عامل یک مشکل ایجاد می کنند. مثلا شیخ‌الازهر با کارهای سادات موافقت کرده و با رفتن به نزد او، او را تأیید نموده. این در روحیه خیلی از ملت‌ها اثر کرده و وقتی شیخ‌الازهر اینکار را کرد، در داخل مصر کسی بر ضدش حرفی نزده است. یکسری جنبشهای اسلامی صحبت کرده‌اند (مطرح شده‌اند) ولی این جنبشها به داخل عموم نرفته است. ما باید به ایشان کمک کنیم که بتوانند بیرون و من فکر می کنم که موقعیت و وضعیت الان بهتر از سابق است و مخصوصاً در میان ارتش مصر، تالان دو کودتا سرکوب شده است.

شما از اثر ایران گفتید. ایران وقتی روز قدس را جشن می گیرد، عامل مذهبی را میان ما تقویت می کند. عامل دینی باید یک عامل سازنده باشد و ما همیشه باید به

وضع در جنوب لبنان فعلاً خوبست. بعضی الان سعی می کنند که از شیعیان بکشند و از فلسطینی‌ها بکشند که بین خود شیعیان و فلسطینیها جنگ شود. و مثلا سعی کردند یک ماشین پر از مواد منفجره

همیشه وقتی مثلا یک قرار می گیری و با پیشنهاد میکنند و ما قبول نمی کنیم، ما را می زنند. در ۱۹۷۰ ما تصمیمات راجح را قبول نکردیم، ما را در اردن زدند. ما ژنو را قبول نکردیم، جنگ لبنان راه افتاد. ما "کمپ دبیوید" را قبول نکردیم، الان خودشان مسئله لبنان را نمی خواهند حل کنند. ما الان از لحاظ سیاسی تجربه‌های داریم که میتوانیم بوسلیله همان، از لوله‌های اشتقاقی که برای ما درست کرده‌اند بیرون بیائیم. از بازی سیاسی، ترسی نداریم. ایشان الان میخواهند رهبری را از بین ببرند. هر چند روزی، چندتا ماشین برای فرستادن طرفهای می کنیم که دارند می فرستند طرفهای محله‌های ما. پراکنده شدن فلسطینی‌ها در سرزمینهای عربی ترسی برای امریکا ایجاد میکند

در سازمان آزادیبخش و گروههای مختلف آیا گرایش بسمت سازش وجود دارد یا نه؟

برنامه‌های سیاسی برای خودمان داریم. مثلا برنامه جنبه دموکراتیک فعلاً از نظر شوروی پشتیبانی می کند ولی در میدان کسی نیست که مین پرست نباشد. مثلا عوامل خارجی در ملت ما بعنوان یک عامل خیلی کم وجود دارد. هیچ مرد مهمی در سرزمین اشغالی نداریم که بگوید من با اسرائیل هستم. و ما خیلی باین چیزها فخر می فروشیم و فقط تا حالا ۸ تا از آن عامل‌های خطر را کشتیم.

یعنی میخواهند به بعضی از رژیم‌ها فحش بدهیم. ما فکر می کنیم کسی که این مطلب را از ما می خواهد، ضعیف است.

برای مثال هر جنگی که در یک کشور عربی اتفاق بیفتد اولش جنگ اجتماعی است. بخاطر این جنبشهای آزادیبخش که در این کشورها وجود دارند، همیشه باید سعی کنند که همه نیروها را جذب کنند. آن موقع قوی می شوند. سخن شما نیروی نمی دهد و از تو نیرو نمی گیرد و ما رابطه - مان با همه جنبشهای آزادیبخش و راهبی - بخش در منطقه عربی خیلی خوبست.

وضع سوریه را چگونه می بینید؟ علی الخصوص که بصورت جنبه مقدمی در لبنان هم حضور داشته و رابطه خیلی نزدیک با مسائل آن دارد و ضمناً وضع حکومت سوریه و نقش آنرا در فلسطین چگونه تحلیل میکنید؟

البته الان ما با سوریه هستیم - ضد کمپ دبیوید - و ما الان در زمینه هماهنگی با همدیگر هستیم که وضع لبنان را درست کنیم. فعلاً سوریه در موقعیت دفاعی است چون الان با اعتقاد خودشان آنها فکر میکنند که موازین قوا الان بفتح اسرائیل است. و ما هیچ موقع از سوریه نمی خواهیم که چیزی را که بان معتقد نیست، بکند. مثلا سوریه در جنوب لبنان وجود ندارد. ما دوست داریم که سوریه با ما باشد - در جنوب لبنان - که بتوانیم از این آسپا دفاع کنیم تا اسرائیل نتواند لبنان را تصرف کند.

یک شرط جهانی هست که نمی گذارد سوریه در جنوب لبنان باشد، هیچ شرطی نمی تواند ما را مقید به کاری کند. ما انقلابی هستیم، هیچ شرطی نمی تواند ما را مقید کند که از حرکت منوقف شویم. چون اگر سوریه به جنوب بیاید یا به اشرفیه، به بیروت بیاید، اسرائیل بطرف دمشق حرکت می کند.

آیا سوریه نمی تواند مانند اسرائیل که مقررات بین المللی را نقض کرده و حاکمیت لبنان را در نظر نمی گیرد، وارد جنوب لبنان شود؟ و آیا سوریه نمی تواند بیپناه حفظ حاکمیت کنشور که با تجاوزات اسرائیل بخطر می افتد، وارد جنوب لبنان شود؟ و ثانیاً سخن شما که میگوئید اگر سوریه وارد جنوب لبنان شود، ترس از این دارد که اسرائیل وارد دمشق گردد، نشانه نوعی عدم اعتقاد دولت سوریه به مقاومت مردم نیست؟ و آیا در مبارزه مسلحانه بطور کلی باید از لحاظ سلاح و تجهیزات یا دشمن به تعادل رسید؟ و شما قصدتان ایجاد تعادل با قوای تسلیحاتی اسرائیل است و برای شروع جنگ به ارتش کلاسیک تکیه دارید یا به مقاومت مردم اکتفا میدهید؟ (این مسئله در مورد فلسطین مطرح است.)

آمریکا الان در منطقه یک مانع دفاعی جدید میسازد که محورش اسرائیل با رژیم سادات است این محور باید تا ترکیه و تاسومالی امتداد پیدا کند.

ما در سازمان آزادیبخش فلسطین این را از لحاظ جنگ کلاسیک یعنی تعادل اسلحه قبول نمی کنیم و ما به جنگ توده‌ای ایمان داریم. چون استراتژی جنسی ما با استراتژی رژیمهای دیگر فرق می کند، بعبارت دیگر استراتژی ما با دولت‌های عربی متناقض دارد. و ما همچنین ایمان داریم که متوقف کردن جنگ بر علیه اسرائیل یک پیروزی برای اسرائیل بحساب می آید. و ما

دیدار و گفتگو با نهضت‌های آزادیبخش منطقه

بقیه از صفحه یک

گفتگو با جبهه آزادیبخش عمان

* شما اگر ممکن است راجع به وضعیت و نیروهای که در آنجا درگیر هستند توضیحاتی بدهید؟

جون عمان کنوری است که از سالهای پیش زیر سیطره استعمار بوده، در نتیجه ملت عمان یک ملت مبارز است. از سالهای پیش که استعمار وارد عمان شد، ملت عمان شروع به مبارزه کرد و آخرین مرحله مبارزه ملت عمان با استعمار انگلیس بوده است. استعمار انگلیس در حال حاضر هم در عمان وجود دارد. استعمار سیاسی، استعمار اقتصادی، استعمار نظامی و دلیل وجود

آن است که از راهی به آزادی برسند ولی بعد از انقلاب اسلامی ایران امیدشان بیشتر شده است و یک جنبش اسلامی در عمان شکل گرفته است، زیرا که مردم عمان مسلمان سنتی و متدین هستند. این جنبش اسلامی از قبل هم بود. قبل از پیروزی انقلاب، اما سازماندهی و تشکیلات نداشت و فعالیت‌های جنبه فرهنگی و کتابخانه و نشریات و نشر کتاب و جزوه دینی و وسایل نشر و تبلیغات اسلامی داشت ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران یک جنبش اسلامی مبارز بطور فاعلتر و واضح‌تر ایجاد شد.



انگلیس در عمان خیلی واضح است و تنها کشور در میان کشورهای عربی، عمان است که وجود استعمار انگلیس در آن بسیار مشخص بود.

مشاورین امنیتی و اطلاعاتی و نظامی و سایر مشاورین درباری قابوس‌تاما انگلیسی بودند. اخیراً آمریکا جای انگلیس را گرفت و انگلیس پایگاه‌های نظامی که در عمان داشت، به آمریکا تحویل داد. پایگاهی مثل پایگاه جزیره "المسیره" که در اختیار انگلیس بود و الان در اختیار آمریکا است و آمریکا این پایگاه را توسعه میدهد برای اینکه بتواند جهت فرود هواپیماهای بزرگ استفاده نماید. به غیر از این پایگاه، ایستگاه‌های جدیدی نیز در عمان در حال ایجاد است، مانند پایگاهی در جزیره "المسندن" که مشرف بر تنگه هرمز است و فرودگاه بزرگ نظامی در منطقه است...

الان آمریکا در عمان بطور مستقیم دخالت دارد. حتی هواپیماهایی که به ایران در جریان طیس حمله کرده بودند، سوخت - کیریشان را در عمان کرده بودند.

اما در عمان یک جوانقلابی وجود دارد و تمام ملت میخواهند بهر وسیله که شده از این رژیم وابسته نجات یابند. با وجودی که اختناق زیاد هست ولی یک وضع خاصی

میدهد، فرهنگ آمریکایی است. در تمام وسایل تبلیغاتی رژیم هیچ فرهنگ ملی و اسلامی نیست.

ملت عمان در تمام سالهای سابق کوشش میکردند که از راهی به آزادی برسند ولی بعد از انقلاب اسلامی ایران امیدشان بیشتر شده است و یک جنبش اسلامی در عمان شکل گرفته است، زیرا که مردم عمان مسلمان سنتی و متدین هستند. این جنبش اسلامی از قبل هم بود. قبل از پیروزی انقلاب، اما سازماندهی و تشکیلات نداشت و فعالیت‌های جنبه فرهنگی و کتابخانه و نشریات و نشر کتاب و جزوه دینی و وسایل نشر و تبلیغات اسلامی داشت ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران یک جنبش اسلامی مبارز بطور فاعلتر و واضح‌تر ایجاد شد.

موضع‌گیری رژیم عمان یک موضع وابسته است. چون این رژیم وابسته به آمریکا است و تمام موضع‌گیریهای رژیم عمان همه در مسیر برنامه‌های آمریکاست. مثلا موضع‌گیری رژیم عمان نسبت به انقلاب اسلامی ایران، چون شاه مستقیماً به قابوس کمک می‌کرد و کمک نظامی ایران و ارس ایران بود که جنبش ظفار را سرکوب کرده بود، در نتیجه موضع‌گیری قابوس نسبت به

در ازای تمام مردم عمان که یک میلیون نفر هستند، فقط یک دبیرستان وجود دارد که در مسقط و در منطقه جنوبی است و فرهنگی که ارائه می‌دهد، فرهنگ آمریکایی است.

حکمرانست که در جاهای دیگر دنیا اینطور نیست. مثلاً استعمار برنامه‌ای دارد که میخواهد ملت را در سطح فرهنگی خیلی پایین نگه دارد، در فقر و عقب‌ماندگی، و تمام این برنامه‌های استعماری در عمان بطور مستقیم پیاده می‌شود. وقتی که الزامات به عمان آمد و با قابوس دیدار کرد، میلیونها دلار صرف زینت و چراغانی و هدایایی که به ملکه انگلیس دادند، شد. اما در مقابل اینها و در فاصله کمتر از یک کیلومتر از کاخ قابوس، دهها هزار خانواده فقیر و کوچ‌نشین هستند و مردم عمان بدون وسایل زندگی در کوخ زندگی میکنند. وقتیکه الزامات به مسقط آمد، جلوی کاخ قابوس را که خانه فقرا و کوچ‌نشینها بود، یک دیواری کشیدند و به رنگ سفید درآوردند، تا یک منظره جالبی در نشان دهد، تا فقرا و کوخها را از چشمان ملکه انگلستان دور نگه دارد.

خود را در اختیار آمریکا قرار دادند که در عمان پایگاه نظامی ایجاد کند و همینطور با مصر، چون سادات هم در خط آمریکا هست هم وابسته به آمریکا است و از سادات هم کمک نیروی ارتشی و هم کمک نظامی می‌طلبند و به جای ارتش ایران در عمان ارتش مصر وارد شده و هم‌اکنون هزاران نفر از ارتش مصر در عمان هستند که از قابوس حمایت می‌کنند.

* شما بعنوان یک نیروی انقلابی که آنجا مطرح هستید و اینجا در بین خواهران و برادران نیروهای انقلابی آزادیبخش حضور دارید، چه خطراتی را چه از نظر داخلی و چه از نظر خارجی سوجه انقلاب ایران می‌بیند؟

خطراتی که متوجه انقلاب اسلامی ایران است، اولاً توطئه‌هایی است که آمریکا تدارک می‌بیند. انقلاب اسلامی ایران بایست انقلاب اسلامی ماند و ایمان داشته باشد، یعنی رهبران انقلاب و دولت به صادر کردن انقلاب معتقد باشند که بتوانند انقلاب خودشان را نگه دارند و حمایت کنند و برنامه آمریکا بر این مبنا است که انقلاب اسلامی ایران را انقلاب ایرانی تلقی کند و به مردم ایران یا به ملت‌های مجاور و ملت‌های مسلمان خلیج وانمود کند که انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب محدود در ایران است و با تمام وسایل و با تمام راهها میخواهد انقلاب اسلامی ایران را در ایران محصور کند و ایران را به مشکلات داخلی و مشکلات اقلیتها و مشکلات اقتصادی و مشکلاتی که در اخبار می‌شنویم، مشغول سازد و هدف اینها مشغول کردن ایران بخودش است که ایران نتواند به مسئولیت‌های انقلابی اسلامی برسد و از این جهت میخواهد بقیه ملت‌ها را هم از این انقلاب یا از پیروزی انقلاب مایوس کند، یعنی ضربه‌ایکه آمریکا خورده، از این انقلاب به درجه‌ای و حدی رسیده که آمریکا روز بروز توطئه میکند که این انقلاب را با شکست مواجه کند تا در اثر شکست انقلاب ملت‌ها هم مایوس بشوند که همان انقلاب اسلامی ایران انقلابی بود که شکستش حتی بود و مبینیم که هر روز یک توطئه و نقض‌های طرح‌ریزی و اجرا می‌کند لذا اولین خطری که مواجه انقلاب اسلامی ایران است این است که انقلاب اسلامی ایران را در گردن خود را محصور کند و برادران ملت‌ها خیلی امید دارند که واقعا انقلاب اسلامی ایران به کشورهاشان صادر شود. خطر دوم که مواجه انقلاب اسلامی ایران است، همین خطرهای است از رژیم‌های وابسته که در منطقه خلیج هستند، چون این رژیم‌ها زمینه مرمی ندارند، و پشتیبانی مرمی ندارند و وابسته هستند به آمریکا، اینها روز بروز برای ایران توطئه می‌چینند، مثل

* این حرکت شما فرار و شیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته، مثلا رژیم شاه که مزدور آمریکا بود و به دستور آمریکا سرکوب شما را بعهده گرفت و شما در صحبت‌هایتان اشاره کردید که بعد از شاه، سادات و نیروهای مصر به آنجا آمدند در حال حاضر وضعیت کلی نهضت و انقلاب چگونه است؟

وضعیت فعلی در حالت تشکل نیروها و توسعه آگاهی بیشتر در سطح مردم است.

* به نظر شما استراتژی آمریکا الان در منطقه خلیج فارس چیست؟



عراق، مثل عربستان سعودی، مثل عمان که بطور مستقیم آن هواپیماهایی که به ایران حمله کرد، از خود عمان سوختگیری کردند و این رژیم‌ها باید سرکوب بشوند که هم ملت‌های منطقه رها شوند و هم ایران از خطر رژیم‌های وابسته نجات پیدا کند.

* شما انتظاراتان از انقلاب اسلامی ایران چیست و چه کمکهایی را فکر می‌کنید انقلاب اسلامی ایران و مسئولین به شما متوانند بکنند، چون میدانید که امام خمینی خودشان شدیداً متعقد به این مسئله هستند که انقلاب ایران باید صادر میشد و ما هم اساساً به این مسئله معتقد هستیم و در این زمینه بحث کردیم که در

انقلاب اسلامی ایران، جوهر اسلامی بودن این انقلاب ما را وادار به این مسئله میکند که ما پشتیبانی میدریعی از نهضت‌های آزادیبخش بکنیم، خصوصاً از نهضت‌هایی که در منطقه هستند و اگر این انقلاب صادر نشود، خودبخود خودش از بین خواهد رفت و ما میخواهیم بدانیم که مشخصاً شما چه انتظاراتی دارید، در این مرحله که انقلاب اسلامی ایران متواند به شما بدهد؟

انتظار ما از انقلاب اسلامی ایران این است که واقعا اسلامی باشد و محدود به ایران نباشد و ایمان داشته باشد به صادر

از آنجا که عمان در جنوب غربی خلیج فارس واقع و مشرف بر تنگه هرمز است - که هر دوازده دقیقه یک کشتی حامل نفت از این تنگه به کشورهای غربی می‌رود - لذا این منطقه حساسیت استراتژیکی خاصی را برای آمریکا در بردارد.

کردن انقلاب، یکی دیگر اینکه مسئله مشکلات ملت ما است. یعنی بیشتر به مبارزین ملت‌ها مان کمک کند چه کمک مادی چه کمک معنوی، برای اینکه گفتیم خطری که مواجهه آمریکا است، از سقوط رژیم‌های وابسته است و ایران اگر بخواهد انقلاب خود و ملت‌ها را نگه دارد و حفظ کند، باید از این رژیم‌ها خود را مضمون دارد و کمک کند به گروه‌های انقلابی و مبارز، یعنی مثلا در خود عمان سفارت ایران در مسقط یک سفارت اسلامی نیست و همان سفارت طاغوتی و شاهنشاهی است و همان عمل باقی‌مانده همان زن، منشی انگلیسی در سفارت ایران است و این سفارت هیچ همکاری نمی‌کند، با ملت عمان و نه یک نشریه‌ای، جزوه‌ای، مجله‌ای از ایران و از انقلاب اسلامی ایران پخش نمی‌کند و هیچ فعالیتی نمی‌کند و برعکس این افراد سفارت افراد مشکوکی هستند و احتیاج به پاکسازی دارند و لازم است که سفیر یا کاردار مسلمان و متعهدی بگذارند که با ملت ما همکاری کند.

* این حرکت شما فرار و شیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته، مثلا رژیم شاه که مزدور آمریکا بود و به دستور آمریکا سرکوب شما را بعهده گرفت و شما در صحبت‌هایتان اشاره کردید که بعد از شاه، سادات و نیروهای مصر به آنجا آمدند در حال حاضر وضعیت کلی نهضت و انقلاب چگونه است؟

وضعیت فعلی در حالت تشکل نیروها و توسعه آگاهی بیشتر در سطح مردم است.

* به نظر شما استراتژی آمریکا الان در منطقه خلیج فارس چیست؟



استراتژی آمریکا در حال حاضر چون ضربه شدیدی از ملت اسلامی ایران خورده بر دو پایه است، یکی وجود نظامی‌اش را بیشتر کند، چون کشورهای خلیج کشورهای هستند وابسته و رژیم‌های وابسته نیروهای مرمی و پشتیبانی مرمی ندارند و در حالت تزلزل هستند و ملت‌ها از بعد از انقلاب اسلامی ایران آگاه شدند و احساس مسئولیت کرده‌اند، لذا آمریکا میخواهد از این پدیده جلوگیری کند. تکیه دولتها را به خود زیادتر کرده و نیازش را زیادتر کند و مانع استقلال این رژیم‌ها و مانع اعتماد به خود باشد و یک کار دیگر این که ملت‌ها را از مبارزه مانع بشود و بازدارد به چند وسیله.

یکی از وسایل، جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی ایران به منطقه خلیج است، دیگری مسئله تبلیغاتی است که برگزاری سخنرانیها و نشر کتاب و غیره خصوصاً بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران - تندیداً - کنترل میشود و عملاً ممکن نیست. رادیو و تلویزیون اخبار ایران را سانسور میکنند و مانع آگاه شدن مردم چه از نظر سیاسی و چه از نظر مذهبی میشوند و از سوی دیگر خودشان با افکار تبلیغاتی و سکی و ضد اخلاقی مردم را سرگرم می‌کنند.

* حرکت و نهضت شما تا چه حدی توده‌ای شده است و مردم با ماهیت حرکت

از آنجا که عمان در جنوب غربی خلیج فارس واقع و مشرف بر تنگه هرمز است - که هر دوازده دقیقه یک کشتی حامل نفت از این تنگه به کشورهای غربی می‌رود - لذا این منطقه حساسیت استراتژیکی خاصی را برای آمریکا در بردارد.

شما تا چه اندازه آشنا هستید؟ چون ملت عمان ملت مبارزی است و در شرایط اختناق زندگی می‌کند و از لحاظ اجتماعی و فرهنگی شرایط مخصوصی دارد لذا فعالیت‌های ما جنبه‌های مختلفی دارد، جنبه فرهنگی، جنبه سیاسی، جنبه نظامی و تا آنقدری که بتوانیم از تمام نیروهای جوان استفاده خواهیم کرد.

* شما تاثیر انقلاب اسلامی ایران را در حرکتتان و تغییر اساسی که در منطقه بوجود آورده چگونه می‌بینید؟

پیروزی انقلاب اسلامی ایران امید زیادی به ملت عمان و تمام ملت‌های اسلامی داده است و در بندند و در زیر یوغ استعمار ملت‌هایی که در بندند و در زیر یوغ استعمار انقلاب اسلامی ایران زیاد بود و ملت اسلامی عمان از آن خوب استقبال کردند با وجودیکه رژیم اخبار انقلاب اسلامی ایران را سانسور می‌کرد، اما از احساسات مردم نمیشد جلوگیری کرد و مردم اظهار پشتیبانی میکردند و لذا الان احساسات این است که ما به یک خمینی در عمان احتیاج داریم و به یک انقلاب اسلامی در عمان نیاز داریم و در شرایط تمام جهات امکانات ندارد و در شرایط تمام با اختناق و محدود و محصور زندگی می‌کند، در حال حاضر در پی سازماندهی و تشکل است.

* وضع نیروهای درگیر در آنجا به چه ترتیب است، نیروهای جبهه درونی مردم و وضعیت وجهیه‌های که بر علیه رژیم مبارزه می‌کنند چگونه است؟

آنجا همانطوریکه قبلاً گفتیم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران خود ملت مسلمان احساس مسئولیت بیشتری میکنند. یعنی همان برنامه ایران را می‌خواهند در عمان پیاده کنند، لذا گروه‌های سیاسی که در عمان در حال حاضر مبارزه می‌کنند، به همان روش اسلامی تظاهراتی در عمان برپا می‌کنند که شعارهای آنها الله‌اکبر است. و همچنین اعتصاب در وزارت نفت در منطقه نفتی "انطوق" و در مناسک و مراسم و مناسبت‌ها ملت عمان با وجود اختناق شدید موضعگیری خود را نسبت به انقلاب اسلامی ایران نشان میدهد و همینطور دست به تظاهرات می‌زند و اعتصاب برپا میکند. مثلاً اعتصاب رانندگان تاکسی در روز کارگر یا در مورد قرارداد صلح میان اسرائیل و سادات گفتیم چون رژیم عمان موضعگیری با سادات یکی است و هر دو در یک مسیر و وابسته به آمریکا هستند و تنها رژیمی که قرارداد کمب دیوید را همراه با سوماتلی تأیید کرده‌اند و این دو کشور عربی تمام امکانات خود را به آمریکا تقدیم می‌کنند و پایگاه‌های مهم نظامی آمریکا در این دو کشور عربی وجود دارد. و کشور عمان تنها کشور عربی است که حتی اسرائیل را بعنوان یک دشمن تلقی نمی‌کند و در مسائل تبلیغاتی‌شان هم اصلاً لفظ دشمن را با اسرائیل به کار نمی‌برد و حتی اسرائیل را بعنوان یک دولت به حساب می‌آورد. در نتیجه روز امضای قرارداد صلح سادات با اسرائیل را ملت عمان روز عزای گرفتند و دانش‌آموزان در این روز در مدارس اعلام عزاداری کرده و یک دقیقه سکوت کردند و شعارهایی علیه قابوس و سادات و بکین روی دیوارهای مدارس

مبارزه علیه امپریالیسم مبارزه‌ای جهانی است و همبستگی جنبش‌های آزادیبخش ضامن پیروزی در این مبارزه است

نوشته که یک عده از این دانش‌آموزان و حتی عده‌ای از رانندگان تاکسی دستگیر شدند.

در فاصله کمتر از یک کیلومتر از کاخ قابوس، دهها هزار خانواده فقیر و کوخ‌نشین هستند و مردم عمان بدون وسائل در کوخ زندگی می‌کنند.

* در صحبتها شما کفید امریکا دست به ایجاد یک سری پایگاههای نظامی در عمان زده و اطلاعاتی که ما داریم نیز ناگفته نماند همین موضوع میباشد که دقیقاً امریکا بعد از ضربه‌هایی که از انقلاب اسلامی ایران خورده، دست به ایجاد یک سری پایگاه زده، از جمله در عمان نظر شما در این زمینه چیست؟ البته چون امریکا بعد از انقلاب

اسلامی ایران برسیده که منطقه خلیج از دستش برود و مناطق نفتی، همان منطقه خلیج است، لذا میخواهد وجود نظامی‌اش را زیاد کند و تنها کشوری که فعلاً آماده این همکاری با امریکا شده است، عمان میباشد.

عمان از جهت استراتژیکی موضع جغرافیائی‌اش چون در جنوب غربی خلیج میباشد و مشرف بر تنگه هرمز است که هر دووازه دقیقه یک کشتی حامل نفت از این تنگه هرمز به کشورهای غربی و امریکامی‌رود، لذا این منطقه از حساسیت استراتژیکی برخوردار است و وجود امریکا در عمان معنی‌اش این است که بتواند در هر لحظه به این جاهای نفت دست باید و زیر سیطره خود بگذارد و در اخبار گفتند که ۱۸هزار از نیروی دریائی امریکا وارد دریای عمان شدند و ناوگان جنگی امریکا همیشه در نزدیک دریای عمان رفت‌وآمد دارد. یعنی امریکا همیشه خودش را در خلیج وارد میکند، نکته‌ای که فراموش کردم این است که ارتش عمان یک ارتش مزدور است، متشکل از افراد انگلیسی، پاکستانی و اردنی و تمام عناصر خارجی هستند.

گفتگو با جبهه آزادیبخش جزیره العرب

در مناطق مختلف عربستان، پس از آنکه فرق میان اسلام و کسانی را که بنام اسلام حکومت را غصب کرده‌اند، برای مردم روشن می‌شود، حرکت‌هایی آغاز می‌گردد

* شما درباره چگونگی شکل‌گیری و ماهیت حرکتتان توضیح دهید؟

قبل از هر چیز باید بگویم حرکت و جنبش در جزیره العرب با مبارزه علیه اشغال این سرزمین توسط خاندان آل سعود آغاز شد. این حرکت که در سال ۱۹۴۱ میلادی پی‌ریزی شد، توسط سازمان اخوان المسلمین رهبری میشد. در این موقع حکومت آل سعود این حرکت و نهضت را با کمک و مساعدت استعمار بریتانیا درهم کوبید و در این حرکت ضد مردمی از هواپیما و تانک و توپ استفاده شد. بعد از این حرکت به صورت اعتصابات و تظاهرات

* در حال حاضر ترکیب اجتماعی، اقتصادی، سیاسی عربستان و مسائل قومی و قبیله‌ای و عشیره‌ای و رواج زندگی مصرف و حاکمیت روحیه دلارهای نفتی (پترو-دلارها) را چگونه می‌بینید؟

جامعه جزیره العرب ماهیتاً یک جامعه قبیله‌ای است. یعنی در حقیقت در جزیره العرب حکومت قومی و قبیله‌ای حاکم است نه حکومت به آن معنا که مورد نظر است و سران آل سعود شیوخ و رهبران قبیله‌های دیگر را با مال و تطمیع استمالت و همراه خود ساختند. خریداری شدن شیوخ و رهبران قبایل به معنی همراهی همه

عملکردهای رژیم منجر به نابودی کله‌داری آنها شده و همچنین کشاورزی و نهانیت رژیم آل سعود مایحتاج زندگی مردم را از خارج وارد می‌کند. شق سوم کارگران نفت و بخشهای دیگر هستند که عموماً مرده‌ای فقر هستند. اکثر این کارگران از مناطق دیگر به سوی مناطق نفتی کوچ کرده و در درون خانه‌هایی که از چوب و ساقه و برگ درخت خرما ساخته شده است، زندگی می‌کنند. فقر نه فقط در این منطقه، بلکه در کلیه مناطق دیگر هم بوضوح در زندگی کارگران بچشم میخورد. در جامعه در حال حاضر به کشاورزی و صنایع و دست‌آوردی‌های بادیه‌نشینان هیچگونه اعتمادی نیست و در این بخشها فعالیتها دچار رکود و بسیار قلیل است و همه چیز به نفت وابسته شده است. تعداد قلیلی از مردم در بخشهای یادشده کشاورزی و صنعتی و مناطق بادیه-نشین بکار مشغولند و تعداد بسیاری در بیگاری بسر می‌برند و در حقیقت میتوان گفت که بیگاری در حال حاضر نظام حاکم در جزیره العرب را تهدید میکند. با این حال حکومت به استخدام کارگران بیگانه از کشورهای دیگر دست زده است و در حال حاضر در حدود ۳۰۰،۰۰۰ کارگر کراهی در شبه‌جزیره بسر می‌برند. علاوه بر این کارگران و تکنسین‌ها و متخصصین آمریکایی انگلیسی و کشورهای اسکاندیناوی و همچنین بعضی از کشورهای عربی در کشور مشغول بکار هستند و در مجموع تعداد کل کارگران بیگانه به رقم ۱،۵۰۰،۰۰۰ نفر بالغ میشود. جامعه ما بلحاظ فکری و سیاسی جامعه بسته‌ای بوده و از هرگونه حرکت فرهنگی و اجتماعی جلوگیری شده و حتی از انتشار و بخش کتابها هم ممانعت بعمل آورده‌اند. در حال حاضر هم مردم ما در نوعی از محاصره فکری و فرهنگی و اجتماعی بسر می‌برند و چاپ و مبادله کتاب و مجلات با موانعی همراه است. بطور کلی جامعه یک جامعه آلوده به ظلم و ستم است و علاوه بر این نفوذ و حاکمیت امریکائیها و پیدایش یک قشر ممتاز و مرفه و پائین بودن سطح شعور و آگاهی سیاسی مردم بچشم میخورد. علیرغم همه این شرایط، مردم ما رودرروی یک نظام طاغوتی قرار گرفته‌اند. و علیرغم این‌بعد از پیروزی و سیطره ملک عبدالعزیز (از اجداد آل سعود) همچنانکه قبلاً اشاره کردیم، اخوان المسلمین به مقاومت برخاستند و بازهمچنانکه قبلاً اشاره کردیم، جنبش‌ها و اعتصابات کارگری در سال ۱۹۴۴ بوجود آمد و بخصوص در سال اخیر که حرکت در مسجدالحرام حرکت بسیار مهمی بود و در حال حاضر در بعضی مناطق نظیر قسیم و میزان، این حرکتها ادامه دارد و همچنین مثلاً در منطقه



در عربستان یاسن است. آنها اولاً در این شرایط موجود هم به همین شکل هست با نه و اگر هست، برنامه شما برای حرکت در آوردن توده‌های مردم چیست؟

حرکت‌های امروز ماهیت اسلامی دارند و با کلیه حرکت‌های سابق متفاوتند. جنبش‌های سابق غیرمردمی و غیراسلامی بودند و علاوه بر این مرتکب خطاها و اشتباهات بزرگی از قبیل عدم استقلال و وابستگی مثلاً به کشورهای از قبیل سوریه، عراق، لیبی، فرانسه و شوروی و بعضی از احزاب کمونیست کشورهای خارجی بودند و بهمین دلیل، یعنی عدم توجه به مسئله استقلال و عدم وابستگی، با شکست مواجه شدند. اما حرکت امروز چون حرکتی اسلامی است، مورد پذیرش توده‌های مردم است و در نتیجه مردمی و شعبی است و نتیجتاً در میان توده‌های مردم نفوذ دارد و خطای دیگر حرکت‌های قبل، یعنی عدم توجه به مادی اسلامی، و در نتیجه غیرمردمی بودن را با خود همراه ندارد. امروز بغیر از سازمان ما سازمانهای اسلامی کوچکی هم در مناطق دیگر از جمله اخوان المسلمین در بعضی از مناطق فعالیت‌هایی دارند و چهره‌های شهدای ما و شهدای سازمانهای دیگر اسلامی همه و همه نشان‌دهنده ماهیت اسلامی ماست. در حال حاضر آگاهی‌های سیاسی مردم تا حدود زیادی با آرزو است. بخصوص بعضی از فرستنده‌ها که در منطقه خلیج فارس مشغول فعالیت هستند، در بالا بردن سطح آگاهی مردم سهم بزرگی عیثه دارند.

شرکت آرامکو در حقیقت نقش یک دولت را در جزیره العرب ایفا می‌کند و در همه امور مداخله می‌نماید.

* این حرکت شما تا چه حد مردمی و شعبی شده است؟

حدود مردمی شدن ما از آنجا مشخص است که هر وقت دعوت به تظاهرات بکنیم یا دعوت برای گفتن بانگ اللهاکبر در پشت بامها و یا نوشتن شعار بر روی دیوارها و راهپیمایی‌ها، مورد قبول واقع میشود. در حال حاضر توده‌های مردم به هر کجا می‌روند، سوال می‌کنند سازمان انقلاب اسلامی جزیره العرب کجاست؟ ما در حال حاضر یک سازمان متشکل و قوی هستیم که سخت موجودیت رژیم آل سعود را مورد تهدید قرار داده‌ایم. ما در کلیه مناطق در شرق، غرب، در مناطق وسطی، سازماندهی قوی داریم و در بی تربیت کادر در کلیه این مناطق هستیم و همچنانکه اشاره کردم، مدت ۹ سال است که ما دست به یک کار سخت و توأم با یک زخمهای بسیار بر نتمان زده‌ایم. سازمان ما یک سازمان زیرزمینی است، و هر کسی را به عضویت خود نمی‌پذیرد و سازمان ما در کلیه مناطق حضور دارد و در منطقه شرقی استوارتر و قوی‌تر از بقیه مناطق است.

* تاثیر انقلاب اسلامی ایران در عربستان و در منطقه و در حرکت شما چگونه بوده است؟

اولاً باید بگویم که انقلاب اسلامی ایران شعله‌های امید پیروزی را در دل همه مستضعفین و مسلمانان منطقه بوجود آورده است و این مهمترین دست‌آورد انقلاب اسلامی ایران برای منطقه میباشد و این در حقیقت روشن کننده شعله‌های آرزوی پیروزی بر طاغوتها در میان همه ملل جهان است. تاثیر انقلاب اسلامی ایران آنچنان بقیه در صفحه ۱۲

* تا آنجا که ما اطلاع داریم، تولید روزانه نفت در عربستان بین ۸ تا ۱۲ میلیون بشکه در نوسان است و قسمت عمده سهام شرکت نفتی آرامکو متعلق به امیرالاسم امریکاست، آیا در کنار صنایع عظیم نفتی روحیه انقلابی در بین کارگران مناطق نفت‌خیز بوجود آمده یا نه؟

شرکت آرامکو در حقیقت یک شرکت نیست، بلکه یک دولت است در جزیره العرب و در همه امور مداخله می‌نماید. همچنین این شرکت آرامکو در منطقه بریمی بین عمان و شبه جزیره در مورد مسائل نفتی اختلافاتی بوجود آورد که تاکنون ادامه دارد. قبل از انقلاب اسلامی ایران، عربستان نفت را بشکای ۱۶ دلار می‌فروخت و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، قیمت نفت به ۲۸ دلار رسیده است. بطور کلی حکومت آل سعود در بی معارضه و رو در رویی با آمریکا در مورد قیمت نفت نیست. همچنین باید تذکر داده شود که در جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل آل سعود نفت خود را به روی آمریکا نیست و در تحریم نفتی آمریکا شرکت ننمود، بلکه آل سعود در آن جنگ میزان استخراج نفتی خود را افزایش داد تا کمبودهای نفتی نه تنها آمریکا بلکه اسرائیل را جبران کند. اما در مورد کارگران هم‌اکنون هم اعتراضات و اعتصابات کارگری همچنان که در سال ۱۹۴۴ وجود داشت، وجود دارد. در حال حاضر تظاهرات و اعتصابات کارگری بشدت کنترل و سرکوب میشود، با این حال سازماندهی‌های اسلامی در بین کارگران شرکت نفت بوجود آمده است. در حال حاضر این شکل‌ها تزلزل و ولولهای در بین مناطق نفت‌خیز بوجود آورده است و کارگران در سازمانهای اسلامی متشکل میشوند که یکی از اقدامات اخیر آنها آتش زدن یک مخزن بزرگ نفتی در الظهران، منطقه تحت نفوذ آرامکو بود که منجر به خسارات بسیار زیاد از جمله تا حدود ۲۰ میلیون دلار شده است. همچنانکه گفتیم در حال حاضر هم اعتصابات کارگری وجود دارد و وقتی که سعودین عبدالعزیز به این مناطق آمد، تظاهرات و اعتراضات شدیدی برپا شد و همین امر موجب قلع و قمع کارگران و سخت‌گیریهایی شدید از جانب حکومت گردید. امروز مرحله دیگری از مبارزات در میان کارگران شرکت نفت بوجود آمده است. این مرحله، مرحله تشکل‌ها و مبارزات اسلامی، عقیدتی است که غلظت و ولولهای در میان صفوف کارگران بوجود آورده است. کارگران بطور کلی چه در دنیای عرب و چه در دنیای اسلام و چه در دنیای سوم، توده‌های مستضعفی هستند که علیرغم حرکتها و جنبش‌هایی که تا کنون داشته‌اند، مورد غارت و چپاول هستند. در حال حاضر قرار - داده‌های سری و مخفی بین آمریکا و عربستان وجود دارد و این ظاهر امر است که نفت ما بشکای ۲۸ دلار فروخته میشود بلکه نفت ما به حداقل قیمت به آمریکا فروخته میشود.

* همانطور که خود شما به این مسئله اشاره کردید که سطح آگاهی سیاسی مردم



شرق جزیره العرب اطلاعاتی داشتیم که روز جمعه روز قدس تظاهرات وسیع مردمی برپا شد. در این حرکت در حدود ۶۰۰ نفر کشته شدند و در منطقه وسطی که شامل مناطق حائل و قسیم است، ناصرالسعید که رهبر حرکت‌الوطنی در این منطقه است، در لبنان توسط رژیم آل سعود دستگیر و روبروده شد. در مناطق دیگر هم پس از آنکه فرق میان اسلام و کسانی که بنام اسلام حکومت را غصب کرده‌اند، برای مردم روشن میشود، حرکت‌هایی به چشم میخورد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران رابطه توده‌ها با آل سعود از نقطه نظر ماهیت اسلامی برعکس گذشته شده است و امروز نه تنها مردم آنها را اسلامی نمی‌دانند، بلکه غاصب حکومت اسلامی بشمار می‌آیند مردم در حال حاضر در حال شناختن اسلام واقعی و حقیقی هستند.

در مورد نهضت و حرکتی که در سال گذشته در مکه دیده شد، توضیحات بیشتری بدهید، چون در ایران ابتدا تصور میشد که این حرکت، حرکت مشکوکی است؟

در مورد نهضت و حرکتی که در سال گذشته در مکه دیده شد، توضیحات بیشتری بدهید، چون در ایران ابتدا تصور میشد که این حرکت، حرکت مشکوکی است؟

حرکتی که در سال گذشته در مکه بوجود آمد، حرکتی کاملاً اسلامی بود و شرکت کنندگان در آن حرکت خواستار برپائی حکومت اسلامی بودند.

توده‌های عشیره‌ای و قبیله‌ای با خاندان آل سعود نبوده است، چنانکه در قیام محرم سال گذشته (قیام مکه) از میان توده‌های قبیله‌ای تعداد زیادی از قبیله‌های مهمی مانند عطیبه، قطان، و... شرکت داشتند. علاوه بر این تحول و تطوری که در جزیره العرب روی میدهد، رهبران قبایل عربی راهم رودرروی نظام حاکم قرار داده است اما از نظر ساخت اقتصادی جامعه به شقوق مختلف تقسیم شده است؛ یک قشر تجار و بازرگانان هستند که طبیعتاً این قشر قلیل و کم هستند. قشر دوم بادیه نشینها هستند که اینها در گذشته از کله‌داری استفاده می‌کردند و در حال حاضر

کارگری در مناطق نفتی در سال ۱۹۴۴ شکل گرفت این حرکات تا سال ۱۹۶۷ یعنی در دوران حکومت جمال عبدالناصر در مصر روز بروز متبلورتر شد. در این سالها در دنیای عرب حرکت متکی به قومیت (ناسیونالیسم) در سراسر دنیای عرب اوج می‌گرفت و این جریان تا سال ۱۹۶۷ و شکست و هزیمت مصر از اسرائیل ادامه داشت. پس از این شکست حرکت‌های ناسیونالیستی و بسیاری از احزاب چپ دچار وقفه و رکود شدند. بدنبال این جریان حرکت‌های اسلامی در شبه‌جزیره عرب در سال ۱۹۷۱ پایه‌گذاری شد و مانی و مادی فکری و عقیدتی خود را تا سال ۱۹۷۵ تدوین نمود. و بدنبال آن این نهضت و حرکت سازماندهی موجودیت جدید خود را در سال ۱۹۷۹ رسماً اعلام و به اطلاع مردم رسانید.

* سازمان شما با چه نام و مشخصه‌ای در میان مردم شناخته شده است؟

سازمان انقلاب اسلامی در جزیره العرب

آموزش و پرورش در خدمت خودآگاهی (۲)

برخورد حذقی آنچنان گسترش یافت که در نهایت به بسته شدن دانشگاهها آنها با شیوه فیرآمیز احاطه کرد. کم کم تقویت عقاید بعنوان یک شیوه رایج در همه جا دامن گسترده و جو بی اعتمادی را حاکم گردانید. در جیبس قضائی عناصر فرصت طلب به بهانه تصفیه و برخورد با صد انقلاب محیط آموزش و پرورش را به عرصه تنگ و سختی تبدیل کردند که در آن چون و چرا و طرح مسائل روز و مشکلات انقلاب گناه کبیره محسوب شد. بسیاری از مدارس بخصوص در مناطق ناآرامی مانند نوسنتر تعطیل و تظاهرات و اعتصابات را در مدارس گسترش داد. طبیعی است که برخورد عاطفی و غیرتحلیلی جوانان نیز به رشد نیروی باصلاح راست انجامید.

در مواردی نتوانست رابطه مناسبی با نودهها برقرار کند، اما عملکرد دستگاهها پس از پیروزی انقلاب بعدی دور از انتظار بود که بسیاری از جوانان به آنکه تحلیل نادرست خود، دست به نفي تمامی موجودیت انقلاب زده و در مواردی رودرروی حاکمیت انقلاب نیز ایستادند.

نظام آموزشی کهنه هیچ تحولی نپذیرفت و شتابی که برای باز کردن مراکز آموزش بخرچ داده شد، دانشجویان و دانشآموزان را در مراکز آموزشی دچار عمدهترین مشکلات کرد. آنان هیچ تناسبی بین ایدهآلهای خود و ساخت نظام آموزشی نمی دیدند و طبیعی است که در محیط آموزشی عمده نیروی خود را صرف عملیات غیردرسی می کردند.

شیوه پایه گذاری یک نظام آموزشی متناسب را مورد بحث قرار داد. بدون تردید نسل متحرک انقلاب ایران، یعنی جوانان معنابست دارا بودن ویژگیهای باصلاح روشنگری از یکسو و عدم وابستگی از سوی دیگر در صفوف اول مبارزه نقش بسیار اساسی داشته است. جنبش دانشجویان که در همه کشورهای جهان سوم و از جمله ایران دارای نقش بیستازی و آگاه کننده بوده اند در انقلاب ایران دارای تجربه های فراوانی است. نباید فراموش کنیم که جنبش مسلحانه نیروهای خود را عمدتاً از جنبش دانشجویی برگزیده و زبده ترین رهروان راه افرادی مانند شریعتی که در بازسازی چهره مکتب نقش اساسی داشته اند، رهبران جنبش دانشجویی بوده اند. دانشآموزان که دیرتر از برادران و خواهران دانشجوی خود به صف انقلاب پیوستند نیز در جریان انقلاب از رشد کیفی بسیار مناسبی برخوردار شده و در بسیج و تحریک توده ها بدون نقش نبودند. حتی در موارد بسیار فراوانی نیروی دانشآموزان معلمان و سایر کارکنان آموزش و پرورش را وادار به حرکت نمود. صفهای بسیار طولیل تظاهرکنندگان با خروش پر شور نوجوانان و گامهای استوار آنان واقعیت عینیتری می یافت. طبیعی است که این نیرو پس از

برای پایه گذاری این نوع آموزش، باید کلیه امکانات آموزشی از قبیل مدارس، تلویزیون و رادیو و غیره را از یک کانال واحد بسیج نمود با برنامه ریزی صحیح از کانال این منابع و امکانات باید توده ها را با ارزشهای جدید بصورت برنامه ریزی شده (بحسب سخنرانیهای خسته کننده و یکنواخت) آشنا نمود. از سوی دیگر به آنکه عناصر متخصصی و مؤمن همه شوراها را باید برای ادار واحد، بخشها و سازمانها آموزش داد. بنابراین قسمتی از وقت شوراها صرف آموزش شیوه های صحیح کار خواهد شد. کمیته آموزش شوراها کارگری و دهقانی و اداری موظفند موجه های خود را متناسب با امکانات و نیازها به کارگران، دهقانان و سایر نیروها انتقال دهند.

در کشورهای تازه از بند رسته، بخصوص پس از پیروزی انقلاب، تنگناهای فراوانی از نظر روابط اجتماعی و انسانی، وجود دارد. از یکسو کمبود نیروهای انسانی برای گرداندن چرخهای جامعه کاملاً محسوس است و از سوی دیگر توده ها هنوز تخصص و تجربه لازم را کسب نکرده اند. آنان هنوز با شیوه اداره جامعه آشنائی کامل و کافی ندارند. این مشکل هنگامی افزایش می یابد که بین نیروهای کادر رهبری انقلاب و بالطبع توده ها از مسیر احزاب و گروهها اختلاف نظر موجود باشد. حتی اگر این اختلاف اندک و جزئی باشد در طیف نیروهایی که در انقلاب حضور مسلم و نسبی داشته اند تاثیرات خاص خود را خواهد داشت و بهره گیری از همه نیروهای انقلابی را بلحاظ رقابتهای مشکل می کند.

برای حل مشکل کمبود کادرها و ایجاد تحول لازم در ارگانها و بازسازی آنها جهت هماهنگ کردن نشان در سوی اهداف انقلاب معمولاً از چند شیوه استفاده می شود. در بعضی از کشورها، بخصوص آندسته از کشورهای که بعدد کشورهای سوسیالیستی انقلاب کرده و با امپریالیزم جنگیده اند (مانند بعضی از کشورهای جنوب شرقی آسیا) از نیروی متخصص و برنامه ریزی تجربه شده این کشورها بهره می گیرند. امید آنان است که بعدد نیروهای کارآموز توده کشورهای بزرگ سوسیالیستی ضعف خود را در زمینه های گوناگون جبران نمایند. در بعضی دیگر از کشورها (از جمله کشورهای آسیائی نظیر تونس پس از استقلال) تلاش دارند گام به گام کمبودهای خود را جبران کنند. آنان استدلال می کنند که برپستی ناگهانی از نیروی خارجی با نیروی وابسته و مسخ شده داخلی در سطح تخصصهای پیچیده کنوری و لشکری بشرط کنترل این نیروها و اعلام عدم مداخله یا

وفاداری آنان مجاز خواهد بود. در هر دو مورد سلطه بیگانه اجتناب ناپذیر است. گذشته از آن آنکه به نفس در توده ها حاصل نخواهد شد و دور بودن مردم از منصب رهبری آنان را عناصری کم مسئولیت بار خواهد آورد.

راه اساسی کمبود کادرها در پیش مکتبی آنکه به شوراها است. در این شوراها نیروهای انقلابی و مسلمان قادرند بسرعت اداره امور را بدست گرفته و با جمع بندی تجربیات مشترک، کمبود کادرها را جبران کنند و هم در عمل حاکمیت مستضعفین و توده ها امکان پذیر می گردد. از کانال این شوراها است که بازسازی شخصیتها و در عین حال نهادها و راندن مؤسسات و سازمانها در خط انقلاب امکان پذیر می گردد.

اما این بازسازی بیش از هر چیز به دونه آموزش ضربتی و مقطعی و طولانی مدت و برنامه ریزی شده نیازمند است. آموزش مقطعی عمدتاً در سوی الف) آماده سازی کادرها جهت اداره واحدها و بخشها و شرکت در عملیات بازسازی و ب) انتقال سریع ارزشهای انقلاب به همه توده ها است. هر دو هدف امکان رشد ضدانقلاب را خشکانه و توده ها را در صحنه نگاه خواهد داشت.



موقعیت انقلاب ایران ونفسی که سل جوان در آن داشته است اشاره نمود و بر مبنای این تحلیل

گزارش راهپیمایی روز قدس در روستاهای مهران رود هشت رود

در قسمتهایی از قطعه راهپیمایی روستائیان منطقه مهرانرود (هشت رود) روز قدس آمده است که:

- ۱- ما حمایت کامل خود را از رهبری انقلاب، امام خمینی اعلام می داریم.
- ۲- ما از مبارزه خلق مسلمان فلسطین علیه اشغالگران اسرائیلی پشتیبانی میکنیم.
- ۳- ما خواستار قاطعیت هرچه بیشتر در محاکمه و مجازات عوامل کودتای اخیر می باشیم و از دولت می خواهیم که کار تصفیه تمام عناصر رژیم سابق را با قاطعیت تمام اجرا کند.
- ۴- ما خواستار محاکمه و مجازات جاسوسان امریکائی و افشای تمام اسناد جاسوخانه امریکا می باشیم.
- ۵- ما پشتیبانی خود را از طرح انقلابی برادر رضا صفیانی در مورد تقسیم زمین و احیای کشاورزی اعلام میداریم.
- ۶- ما از زحمات نماینده هیئت ۷ نفره واکداری زمین به دهقانان در منطقه هشت رود قدر دانی کرده و حمایت خود را از آن برادر مبارز اعلام می داریم.
- ۷- ما از دولت و مجلس فاطمانه می خواهیم که هرچه زودتر وسایل و امکانات کشاورزی را در اختیار کشاورزان قرار داده و امر رشد و خودکفائی کشاورزی را تحقق بخشد.

نابود اولسون - فلسطین آزاد اولسون (اگر دهقانان یکی بسوند و خمینی رهبر باشد، امریکا نابود می شود و فلسطین آزاد می شود). اکینچی برگر بولینسه، اکینچی آزاد اولار - فان ایجن اربا لارین وارلیقی بریاد اولار) (زمینهای کنت اگر تقسیم بود، کشاورزان آزاد می شوند و هستی اربابان خونخوار بریاد می رود). اکینچی لیر برلسون - امریکائی بخماغا - اسلامی فائولاری کلتور زده تیکماغا (کشاورزان متحد بشوند برای شکست امریکا و پیاده کردن قوانین اسلامی در روستاها) و... برنامه کردهائی بعد از تلاوت قرآن با سخنرانی نماینده هیئت ۷ نفره واکداری زمین به دهقانان منطقه شروع شد و آنگاه نمایندگان شوراها منطقه هر کدام چند دقیقه ای برای روستائیان در زمینه های تقسیم اراضی و پشتیبانی از انقلاب و امام صحبت کردند و آنگاه سرود دستجمعی بزبان ترکی توسط برادران تقسیم کننده زمین خوانده شد که مورد استقبال روستائیان قرار گرفت. در انتهای برنامه قطعه نامه روستائیان با تأیید دهقانان خوانده شد و پرچم اسرائیل توسط یکی از مستضعف ترین فرد منطقه با شعارهای مرگ بر اسرائیل و مرگ بر امریکا و فلسطین پیروز است و حاضرین، آتش زده شد.



دولت و انقلاب...

توجه آقای نخست وزیر را به این حقیقت جلب می کنیم که تکیه بر سرمایه داران نمی تواند راهگشای حل بحران اقتصادی باشد.

توجه آقای نخست وزیر را به این حقیقت جلب می کنیم که تکیه بر سرمایه داران نمی تواند راهگشای حل بحران اقتصادی باشد.

هست در نوعی وابستگی به سرمایه داری جهانی قرار دارد. ثانیاً - اگر بخواهید سرمایه داری ملی را احیا کنید، فرض موفقیت دیری نمی یابد و با توجه به سلطه انحصارات و جهانی بودن امپریالیسم قطعا به وابستگی کشیده می شوند. پس دولت باید این خیال را از سر بیرون کند و برخلاف سیاستی که تاکنون حاکم بوده و از حمایت سرمایه داران و تجار به اصطلاح ملی دست برداشته، حاکمیت مردم را بر صنعت، تجارت، پول و مناسبات پولی با قاطعیت اعمال نماید. تجارت و توزیع ملی، توسط شوراها مردمی اداره شوند، صنایع وابسته هم صادره و توسط دولت اداره شوند. و اسلامی و زیر نظارت دولت اداره شوند. و آخرین ضربه قاطع بر مالکیتهای ارضی و نظام فئودالی وارد شود.

هر چند با اوضاع واحوال حاضر نمیتوان امید داشت که دولتی کاملاً مکتبی و انقلابی تشکیل گردد، لکن مردم مبارز و محروم ایران انتظار دارند که دولت با وفاداری به آرمانها و اهداف انقلاب، در جهت تحقق خواسته های برحق آنان کام بردارد. مردم با سلطه سرمایه داران و فرصت طلبان، سخالفند، از تحمیل عقاید و تفکرات قشری و تنگ نظر بیا و انحصار طلبی ها بیزارند. مردم از ضعف و محافظه کاری، از سازشکاری و مسامحت خستماند. مردم خواهان قاطعیت، عدل و مساوی طلبی علی وار هستند. علی از سرمایه داران و عاریتگران نخواست تا زکوه بدهند، بلکه فاطمانه اعلام کرد که اموال ملت را از آنان پس خواهد گرفت.

رشد معلومات و تکامل ابعاد فکری و معنوی انسان، خداگونه شدن بشر، همه منوط به رشد استعداد های افراد است که لازمه آن هم آزادی است. اتفاقاً فتنه و فساد و توطئه چون سد راه تکامل بشر و از بین برنده آزادی فکر و عقیده و عمل است، باید از بین برود و با آن مبارزه

رشد معلومات و تکامل ابعاد فکری و معنوی انسان، خداگونه شدن بشر، همه منوط به رشد استعداد های افراد است که لازمه آن هم آزادی است. اتفاقاً فتنه و فساد و توطئه چون سد راه تکامل بشر و از بین برنده آزادی فکر و عقیده و عمل است، باید از بین برود و با آن مبارزه

رشد معلومات و تکامل ابعاد فکری و معنوی انسان، خداگونه شدن بشر، همه منوط به رشد استعداد های افراد است که لازمه آن هم آزادی است. اتفاقاً فتنه و فساد و توطئه چون سد راه تکامل بشر و از بین برنده آزادی فکر و عقیده و عمل است، باید از بین برود و با آن مبارزه

با خلع ید از سرمایه داری وابسته، کارگران را از استثمار و صنایع را از وابستگی آزاد کنیم

با خلع ید از سرمایه داری وابسته، کارگران را از استثمار و صنایع را از وابستگی آزاد کنیم

امت

ریشه‌های نارسائی‌های مکتبی در روش شناخت

جزمیت فکری یا تفکر مارقی

بقیه از صفحه یک

کلیه این خصلت‌ها را از لحاظ تاریخی در یکی از عمده‌ترین دشمنان علی، یعنی خوارج می‌بینیم. خوارج پیش از آنکه ابتلا و آزمایش پیش آید، جزّ مومنان و یاران وفادار امام شمرده می‌شدند. مردمی زاهد و عابد و قاری قرآن، اما دارای مغزی متحجر و یکسوتر و سطحی بین و قشری. لذا قدرت درک حقیقت را ندارند و در عقایدشان سخت متعصب و بیگانه با منطق و استدلال‌اند، سرسخت در عناد با حق و

● بعضی حاکمیت انحصاری خدا را بر جهان و اینکه جز قانون و اراده وی، قانون و اراده‌ای نباید حاکم باشد، با تفکرات و برداشتهای خود از حقیقت یکی گرفته‌اند

دفاع از ظواهر و عصبیت‌ها، و با همین خصلت، قرآن سرنیزه را بر علی ترجیح میدهند و استدلال و کلام برحق امام در دل سنگشان تاثیر نمی‌کند و در ذهن بسته و منجمدشان نفوذ نمی‌نماید، تحت تاثیر ظاهر برحق خدعه معاویه و عمروعاصی که قرآن را حکم قرار دادند، بر امام، آن مظهر حق و قرآن ناطق می‌شورند، به وی گستاخی می‌کنند، او را متهم می‌سازند، تحت فشار قرار می‌دهند و با تعصب تمام حرف خود را درست و موضع امام را نادرست می‌خوانند. حتی حاضر به شنیدن استدلال و تحلیل علی نمی‌شوند. فقط یک حرف می‌زنند و آن اینکه علی باید تسلیم پیشنهاد شود و حکمیت را بپذیرد. وقتی چیزی با ظاهر حق در مغزشان فرو رفت، بیرون کشیدن آن تقریباً غیرممکن است. با ظاهر قرآن و کلام حق را دیده‌اند، دیگر حاضر نیستند در باره‌اش بحث کنند. با تهاجم، خشونت، با بددهنی و گستاخی، با اعمال زور و فشار، علی را وادار به قبول حکمیت می‌کنند. اینها شیوه‌های رایج و معمول قشریون است. زور بجای منطق و استدلال، عصبیت‌جوی متقل، پوسته بجای مغز، شکل بجای محتوا، یکدندگی بجای انعطاف‌پذیری، حذف بجای جذب، یا همه‌چیز یا هیچ‌چیز، بجای واقع‌گرایی. یکسوتری و چشم بستن بر جوانب مختلف یک پدیده و گریز کردن در یک مسیر فریب ظاهر بحق افراد را خوردن. خوارج سخت تحریک‌پذیرند، زود به هیجان و جوش می‌آیند، در مخالفت کینه‌توزند و بیرحم، وقتی پای عصبیت پیمان می‌آید، رحم و عطفوت انسانی هم از بین می‌رود، شقی‌القلب، و بددل و تنگ‌نظر و بی‌چشم و رو می‌شوند. وقتی از یکطرف بخیال خود خلاقی دیدند، همه فضایل وی را فراموش می‌کنند. برگزشتنش یکسر خط بطلان می‌کنند. بعد از اینکه علی را در حکمیت گناهکار تشخیص دادند! او را بسان بدترین مردم مورد حمله و تعرض قرار دادند، فراموش کردند که او علی است، نزدیکترین و عزیزترین کس به پیغمبر است بیست‌وسه‌سال پایا و دوش‌دوش رسول خدا جهاد کرده و آنهمه مصائب در هجرت فضایل اخلاقی، علمی و آن شجاعت و انسانیت و رحم و مهربانی، آن خلوص و ایثار همه از جلوی چشمانشان ناپدید می‌گردد. علی را مجبور به قبول حکمیت می‌کنند و بعد بهمان دلیل او را کافر می‌خوانند و از وی تقاضای توبه می‌نمایند و علیه او دست به مشیر می‌برند و چنانکه دیدیم، سرانجام امام بزرگ قربانی همین خصلت‌های جزمیون قشری مذهب، یعنی مارقین گردید.

۹- انحصار طلبی:

جزمیون و قشری‌مذهبان هرگز تحمل وجود فکر مخالف را ندارند و با تمام قوا

برای محو و نابودی هر اندیشه یا نیروی مخالفی اقدام می‌کنند. از آنجا که حقیقت را در انحصار خود می‌دانند، بقیه مردم را که با آنان همراه و صددرصد همگام و موافق نیستند، در صف باطل می‌گذارند و با آنان رفتاری می‌کنند که با دشمن! هر امکان و حقی در جامعه وجود دارد، در انحصار خود می‌خواهند. روزنامه، رادیو، منبر و مسجد، دانشگاه، مدرسه، اداره، ارتش، کارخانه، مزرعه، خیابان و کوچه و بازار و محله، همه‌جا منحصراً باید تیول آنان باشد و کسانی که تابع و چشم‌بسته مطیع نیستند، هیچگونه حقی از جامعه ندارند، نه حق نوشتن و نه گفتن، نه کار کردن. هر جا بتوانند و تا هر جا که تیغشان ببرد، مخالفان را سرکوب و مطرود و از همه امکانات محروم می‌سازند. انحصارگرایی در آنان انسان را بیاد شیوه‌های اربابان کلیسا در قرون وسطی سالهای ظلمت تیرگی و اختناق می‌اندازد و اصحاب کلیسا هم معتقد بودند حقایق عالم کامل و تمام‌عیار در دستها و مغزها و کتابهای آنان جمع شده‌اند. "اولاً حقیقتی نیست که آنان ندانند و مجهولی نیست که بر آنان معلوم نباشد و رازی نمانده که بر آنان گشوده نشده باشد، نزد آنان دنیا چون پارچ بلورین آب روشن و شناخته شده بود و آن پارچ هم در انحصارشان و دست دیگری به آن نمی‌رسید مگر آنکه در پیشگاه آنان زانو زند و قطره‌ای از آن اکسیر دانایی گدایی کند. تازه همه اسرار را جز اصحاب خاص کلیسا قادر به دریافت نبودند و دیگری نمی‌باید از آن مطلع میشد.

بر اساس همین بیبش و خصلت اجازه نمی‌دادند کسی حرفی جز آنچه آنان تعلیم داده و تبلیغ کرده‌اند بر سر زبان بیاورد، و جز وابستگی به کلیسا و فلسفه و تعالیم آن، کسی سخنی بگوید یا کتابی بنویسد یا رای و نظری ابراز کند. همه‌جا و همه‌چیز در زیر سلطه انحصاری آنان قرار داشت. این تمایل بقدری قوی بود که حتی تفکر و احساس درونی مردم را هم در صورت امکان شامل می‌شد، در نتیجه سلطه این تفکر و تمایل انحصارگرایانه، خلافت فکری در مردم مرد و رشد جامعه متوقف گردید، مذهب مسیح در زندان تفکرات ارسطویی باقی ماند و به حربه‌های در دستهای اربابان کلیسا و امپراطوران و اشراف و زمین‌داران تبدیل گشت.

در نظامی که تحت سلطه چنین تفکر و گرایشی بوجود می‌آید، افراد ناچارند قالبی فکر کنند و چون اسپه‌های عساری چشمهای خود را بر کلیه حقایق و به جوانب مختلف بسته تنها در یک مسیر تعیین شده حرکت کنند، در صورتیکه میدانیم آنچه واحد است، خداست و جهت کلی رفتن بسوی خدا، اما راههای نزدیکی و تلاش و صبورت بسوی خدا حتی بعد از انسانها متفاوت است. مگر داستان برخورد موسی را با چوپان بیسواد و عامی در مثنوی نخوانیم که وقتی در باره خدا از وی پرسید، او خدا را در چارچوب درک و فهم خود توصیف کرد و محبت و علاقه و عشقش را به عبودش بصورتی نشان داد که در ابیات زیر می‌خوانیم:

دید موسی یک شبانی را براه
کوهی گفت ای خدا و ای اله
تو کجائی تا شوم من چاکرت
چارقت دوزم ز من شانه سرت

.....
دستکت بوسم بمالم پایکت
وقت خواب آید برویم جایکت
گر ببینم خانهات را من دوام
روغن و شیرت بیارم صبح وشام

.....
زین نمط بیپوده میگفت آن شبان
گفت موسی با کیست ای فلان
گفت با آنکس که ما را آفرید
این زمین و جرج از او آمد پدید

گفت موسی های خیره سرشدی
خود مسلمان نباشده کافر شدی
.....

.....
گفت ای موسی دهانم دوختی
واز بشیمائی تو جانم سوختی
جامه را بدرید و آهی کردتفت
سرنهاد اندر بیابانی و رفت
و حی آمد سوی موسی از خدا
بنده ما را چرا کردی جدا
تو بسرای وصل کردن آمدی
نی بسرای فصل کردن آمدی
هر کسی را سیرتی بنهاده‌ایم
هر کسی را اصطلاحی داده‌ایم

عکس‌العمل موسی چه بود؟
موسی خواست نوع شناسایی و برداشت و تفکر خود را از خدا و از عشق به خدا به چوپان تحمیل کند و از اینکه او بنحو دیگری درباره خدا می‌اندیشد سخت عصبانی شد و بر او تاخت و روتش کرد. اما خداوند وی را خطاب قرار می‌دهد و از این کار سرزنش، که چرا انتظار داری همه مانند تو درباره خدا ببندیشند. تردید نیست که شناخت موسی درباره خدا حقیقی و شناخت چوپان دور از واقعیت بود، لکن از آنجا که افراد در مراتب مختلف شناخت قرار دارند، اگر کسی در جهت درست حرکت می‌کند، باید فرصت داد تا پیش رود و با تجربه و با آموزش تدریجاً آگاهیهای خود را تصحیح و برداشتهای خود را حقیقی‌تر نماید. اگر چوپان اندیشه - ای جز خدای واحد، آن هستی مطلق خالق و حکیم را مطرح میکرد و برای خدا شریکی قائل میشد، موسی وظیفه داشت وی را سرزنش کند.

اما برداشت افراد از حقیقت همیشه یکسان نیست و یکسان باقی نمی‌ماند. حقیقت هستی بیگانه و نامحدود است. خرمی است که حجم و بعد ندارد، هر کس به نسبت توان خود خوشه‌ای از آن برمیگردد. حقیقت نوری است مطلق که هر متفکری و هر قلب روشن‌بینی پرتوی از آن را درمی‌یابد و انسان در برابر موجودی است کمال‌جو، تعالی‌طلب که باید راه تکامل وی باز باشد. اگر او را در یک چارچوب بسته محدود کنیم، راه کمالش را مسدود ساخته‌ایم. اگر از اندیشیدن و نوآوری محروم سازیم به او خیانت ورزیده‌ایم. بزرگترین رسالت انبیا این بود که فکر انسان را از اسارت

جزم‌اندیشان از هر عقیده و مسلکی که باشند، غیر خود را منحرف و خارجی (خارج از عقیده درست) خطاب می‌کنند. آنان کمترین تفاوت و انحراف را حتی در مسائل فرعی و غیر اساسی بیهانه وارد کردن اتهام خارجی قرار می‌دهند، ملحد، زندیق، کافر، بی‌دین، خارجی، جب، راست، مرتجع و اخیراً "التقاطی نمونه‌ای از برجسب‌هایی است که افراد و گروههای جزمی‌سلک به مخالفان و هم‌افزاد می‌زنند که با آنان همراه نیستند. ریشه این گرایش در خود محوریت آنان است. از آنجا که حق را در انحصار خویش می‌دانند هر کس خارج از گروه و مسلک آنان قرار داشت، خودبخود به یکی از انواع اتهامات فوق متناسب می‌شود. در استفاده از این عناوین بسیار سخاوتمند و آسان‌گیرند. این راحت‌ترین کاری است که می‌توانند انجام دهند. با این کار خود را از جهت بررسی عقاید مخالفان و تحقیق و تعمق خلاص می‌کنند، با اضافه با این کار مردم را نیز نسبت به مخالفان در موضع بدبینی قرار داده، قضاوتی قطعی و بی‌چون و چرا بدانها تحمیل می‌کنند و بالاتر از آن مستمسکی فوری برای سرکوب و حذف و معدوم ساختن وی فراهم می‌آورند. شیوه برجسب زدن خواص بیشتر برای این جزم‌گرایان در بر دارد. از جمله به مستمعین شناسان می‌فهماند که نیازی به مطالعه و شناخت مستقل مخالفان ندارند، تشخیص قطعی را گروه داده است و همه باید آن تشخیص را ملاک "عمل" قرار دهند. برای طرفداران وظیفه‌ای جز "عمل" درباره مخالفان باقی نمی‌ماند. علاوه با این شیوه در ذهن و قلب طرفداران خود بلافاصله بردهای از تعصب و عواطف دشمنی و ستیز و مخالفت بوجود می‌آورد بنحویکه در برخورد با مخالفان فقط به نفی آنها می‌پردازند و در خود کمترین انگیزه‌های برای گرایش دادن و تحقیق کردن نمی‌یابند. جزم‌گرایان یا برجسب‌زندن، طرفداران خود را علیه مخالفان عقیدتی خویش برمی‌انگیزند. با این احساس و عاطفه کسی حاضر نیست درست‌ترین سخنان را هم از مخالفان خود بپذیرد، چون از ابتدا با بدبینی به آنان می‌نگرد. بدبینی حاصل از برجسب‌زندن راه تحقیق و شناخت آزاد و

● تحمیل هر اندیشه قالبی و منحصر کردن همه افکار و اندیشه‌ها و قضاوت‌ها به یک قضاوت انحصاری، با آزادی و کمال‌جویی انسان مغایرت دارد

بی‌عرضانه را بر جزم‌اندیشان می‌بندد.

۱۱- تبعیت کورکورانه:

جزمی مسلک اهل تحقیق و انتخاب آگاهانه و آزاد نیست. اصول و ضوابطی خشک را از پیش می‌پذیرد و به رهبران خود ایمان می‌آورد و کورکورانه و بی‌چون و چرا آنان را تبعیت می‌کند. همان اندازه که در مورد اصول و اعتقادات خود خشک و جامد و مکانیکی برخورد می‌کند، در مورد رهبران و افراد مورد احترام نیز شیوه‌های جزمی و مطلق‌بین دارد. باسانی رهبران خود را در علم و تفکر و قدرت رهبری و در کلیه صفات مطلق می‌کند، آنانرا مصون از خطا می‌پندارد و هرگفته و کرده آنان برایش حکم آیه قرآن دارد و حاضر نیست کمترین تصور خطا و انحراف و لغزش در باره آنان بگذرد و دل خود راه دهد، چون آنانرا مصون از انحراف و برترین و داناترین می‌شناسد، نیازی نمی‌بیند تا درباره دستورات و گفته‌هاشان تحقیق کند. هرچه بگویند عیناً تکرار می‌نماید. جهل این افراد عامل مهمی در تقویت و تشدید وابستگی‌شان به رهبران و اطاعت کورکورانه از آنان است. - زیرا بدون وجود رهبران هیچ‌چیز برای گفتن، شعاری برای فریاد کشیدن ندارند. انبیا حقایق و معلومات آنان نزد رهبران است، راه‌حل تمام مسائل را رهبران می‌دانند، اگر یک روز رهبر یا رهبران نباشند، بیروان در

۱۰- شیوه برجسب‌زندن:

همه چیز فرو میمانند. جواب هر مسأله‌ای را باید از آنان پرسید، این نیاز انسانی جاهل، فاقد قدرت خلافت و استنباط و شناسایی، را چون عاشق و نیازمند کوری وابسته به رهبر یا رهبران می‌کند. وفاداری که در این نوع اشخاص پدید می‌آید، وفاداری انسان آگاه و مستقل نیست، وفاداری کسی است که اگر ارباب او نباشد، یا او را رها کند، همه چیز را از دست میدهد و بی‌بنا و عاجز‌تر می‌گردد و نابود می‌شود. این وفاداری از سر عجز و نیاز است. بهمین جهت رابطه بین این دو رابطه دو انسان آزاد و مستقل نیست، رابطه نیازمندی عاجز با اربابی است که بدون آن زندگی غیرممکن است. از این رو بیرون مسلک‌های جزمی در کمتر موردی "شخصاً" دست به تحقیق و مطالعه می‌زنند و اگر با حادثه‌ای برخورد کردند، یا خبری شنیدند که تازه بود و جواب مسأله یا قضاوت لازم را از پیش نداشتند، ناچار از سکوت هستند، منتظر میمانند تا رهبران دهان بگشایند و جواب مسأله را بدهند. این امر اگر فقط در مورد اصول بود، چندان اشکالی نداشت، اما جزمی مسلکان فاقد هر نوع قدرت اجتهاد و استنباط‌اند و لذا در ساده‌ترین امور و قضاا تبعیت و تقلید می‌کنند. هر خبر، تفسیر، تحلیل و اظهارنظری از سوی رهبری صادر شود، بدون تحقیق و بی‌چون‌وچرا و بدون خواستن دلیل می‌پذیرند و بگام می‌برند. بهمین جهت در انواع بیشترند سارمانها و احزاب بایبند به بیش و مسلک جزمی، دستگه‌های رهبری از این عامل برای الفتن نظریات خود و حتی رواج شاعاب و پراکندن اخبار دروغ بخوبی سود می‌جویند.

بقیه از صفحه یک حاکم شرع و...

کارگری مخالفت نمود و از دوستداران شوراهای اسلامی می‌خواست که به شعوری بروند، زیرا از نظر ایشان در کشور اسلامی شورا معنا ندارد. در سابه حمایت ایشان از سرمایه‌داران و کارفرمایان استعمارگر، کارگران از جمله اعضای شورای اسلامی کارخانه آدمیرام از تنعمات زندان برخوردار شدند. برطبق حکم ایشان روحانی مورد اعتماد مردم زرقان فارس تنها به جرم حمایت از کشاورزان محروم و زندانی، به زندان افتاد. در سابه احکام صادره توسط ایشان، سرسپردگان رژیم که توسط حکام شرع قبلی محکوم شده بودند، با قرار آزاد گردیدند و پس از گذشت ۱۷ ماه از انقلاب عاملین کشتار بیش از ۵۰ شهید زند ۲۱ بهمن شراز حتی شناسایی هم نشده‌اند که این عمل باعث شکایات و مراجعات خانواده‌های شهدا به مسئولین مملکتی در قم و تهران شد. بالاخره احکام ایشان کار را بجای رسانید که برادران پاسدار از انجام آن سر باز زدند. با کمال تأسف علی‌رغم اعتراضات، شکایات و مراجعات خانواده‌های شهدا به قم و تهران ایسان تثبیت شدند. آیا با توجه به توطئه‌های روزافزون امپریالیسم، زمان آن نرسیده که با آنکه به مردم و توجه به خواسته‌هایشان زمینه نفوذ امپریالیسم را از بین ببریم و با گماردن افراد انقلابی در چنین نهادهایی دست عوامل داخلی امپریالیسم را قطع کنیم؟ آیا انتصاب و تثبیت چنین افرادی که به اسم امام و اسلام احکام ضداسلامی صادر می‌کنند و عملاً پایگاههای داخلی امپریالیسم را تقویت می‌نمایند، ضربه به اسلام نیست؟ آیا احکام چنین افرادی زمینه دلسردی و بدبینی مردم را نسبت به انقلاب و رهبری آن فراهم نمی‌کند؟

ما برای چندمین بار به مسئولین هشدار میدهم که با گماردن چنین افرادی بیش از پیش زمینه را برای رشد ضدانقلاب آماده نکنند و باعث گسستن پیوند مردم و رهبری که عمده‌ترین عامل حفظ انقلاب است، نشوند. و با گماردن افراد صادق و مکتبی و قاطع در دادگاههای انقلاب، این نهادها را در جهت صحیح و اسلامی، یعنی مبارزه با پایگاههای امپریالیسم در داخل کشور برده، و توده‌های محروم و مستضعف را که از بازوان این انقلابند، قدرت و توان بخشند.

بشری متاثر باشد و در برخورد با محدودیت
 انسان تجربه بر معلومات و احساس
 معلومات و آگاهی از ضرورتها و عوامل و
 روابط بین بندها متوجه و لذا به حقیقت
 امکان و آزادی بشری در استعدادهای
 ضرورتها میدهد. اما آزادی درونی و نفسی
 دست میآید که عمل در عین حال از نفس
 انسانی هم نامر نکند. اگر نفس در ضمن
 تلاش برای تولید اقتصادی و دست آوردن
 غذا با دفاع از جان خود و جنگ با
 دشمن، از حس و انگیزه عدالتخواهی و
 کمالجویی هم متاثر باشد. احساس برپور
 ندهنیا معلومات وی را بیشتر می کند که به
 رشد همین استعدادها و در نتیجه افزایش
 در حد تقوی و بالبع درجه آزادی درونی
 کمک می نماید. حاصل ورود در یک تجربه
 یک شرکت در یک عمل اجتماعی و نفسی که
 شخص محروم و بیگانه از انگیزه عالیجویی
 و بوعدوستی و ایثار است، تا وقتی که به
 این انگیزهها مجهز است بکلی فرق دارد.
 هر اندازه این بعد وجود انسان رشد
 بیشتری میکند، مبارزه انسان علیه حیرتها و
 ضرورتهای اجتماعی و تاریخ، علمه نظامات
 و روابطی که تحت تاثیر تعلیمات نفس
 بشری برقرار شده اند، تحت تاثیر نوا
 استعدادهای انسانی وی انجام میگیرد.
 انسان روابط مبنی بر زور و سلطه و استعمار
 و بردهداری را زیربناش همین قوای نظری
 انسانی نفی می کند.

ادامه دارد

درد کودنای

بدیگران و گروهها و عوامل خارجی نسبت
 داده ایم، بنابراین در درجه اول باید خود
 عوارضی مبار آورده ایم.
 ۲ - باید از تجربه نهضت ملی آموخته
 باشیم که نمی توان مبارزه صد امپریالیستی
 را از مبارزه با باگها و مراکز و عوامل و
 عناصر و بالجملة از بخاطر انداختن منابع
 منابع امپریالیسم در درون کشور و روابط
 اقتصادی، اجتماعی جدا نمود که اگر
 سرمایه داران و فئودالها و خانها و ساخت
 ارتش را بحال خود رها ساختیم و فریاد
 مرگ بر امپریالیسم برآوردیم، بر ما همان
 خواهد رفت که بر نهضت ملی رفت.
 ۳ - باید از کودنای ۲۸ مرداد
 بیاموزیم که بر ساخت و روابط و فرهنگ
 حاکم بر ارتش اعتماد نکنیم، باید
 بیاموزیم که حساب توده های رده های یاشین
 ارتش را از نظام و سیستم حاکم بر ارتش و
 از اسرار و رده های بالا یا آموزشهای
 امپریالیستی - اسرائیلی جدا سازیم، باید
 بیاموزیم که تا ستون فقرات و استخوان بندی
 ارتش بیادگار مانده از رژیم متفقین هاشمی
 هر مدنی ساختیم، به آن اعتماد نکنیم
 هم چنین بیاموزیم که تا ارتباط سیستم
 آموزشی و قدرت رزمی و اسلحه مورد نیاز
 ارتش را با امپریالیسم قطع نکرده ایم، آن
 اعتماد نکنیم.
 ۴ - باید بیاموزیم که خود محوریتها و
 گروه محوریتها جدا از توده های مسلمونی
 مسردم و خطا در استراتژی و تاکتیک
 ناکنک عواقب شوم و فاجده سازی در
 گذشته ببار آورده است، حرمت های
 ایدئولوژیک، حریمت های گروهی و سازمانی
 حریمت های خصلتی و در نهایت انحصار -
 طلبی های فردی و گروهی و سازمانی و
 حزبی می تواند زنگ خطر کودنایها را از قیل
 ۲۸ مرداد یا بعدا در آورد.
 ۵ - باید بیاموزیم که سرنوشت اسلام و
 انقلاب و مردم را در چشم اندازهای دراز -
 مدت نسجم کنیم و از غرق شدن در بازیها
 و مانورهای سیاسی و تکنرپتیرها و محدود -
 بینی ها بپرهیزیم، به موفقیتها و پیروزی -
 های مقطعی و مرحله ای غره نسجم و بیش
 از آنکه غرق در مسائل جاری نسجم، آینده
 را با نگریم که اگر چنین نسجم در سانه راه
 از راه بازخواهیم ماند.
 ۶ - باید بیاموزیم که استعمار و
 انقلاب و مردم را در چشم اندازهای دراز -
 مدت نسجم کنیم و از غرق شدن در بازیها
 و مانورهای سیاسی و تکنرپتیرها و محدود -
 بینی ها بپرهیزیم، به موفقیتها و پیروزی -
 های مقطعی و مرحله ای غره نسجم و بیش
 از آنکه غرق در مسائل جاری نسجم، آینده
 را با نگریم که اگر چنین نسجم در سانه راه
 از راه بازخواهیم ماند.
 ۶ - باید بیاموزیم که استعمار و

انگیزه و قدرت لازم برای مقابله با ضرورتها
 و غلبه بر حیرتها را میدهد. کسی که
 علمبروم ضرورتهای محیط من به فساد و
 لذتجویی، دردی، استعمار، رباخواری و
 خودنروسی، حسادت و دروغ نمی دهد، بر
 نمایان نشی سربوس گداخته، گرسنگی و
 محرومیت را بحال می خورد و جلوی نمایان
 حویس را می گیرد. علسن اینسکه محرکهای
 دیگری فویر و عالی بر در وجود او تحلی و
 رسد کرده اند، او در ازا، از دست دادن
 آن موقعیتها، بطرف موقعیت های دیگر
 بس می رود. عشق به کمال، به عدالت،
 به تعالی و درک حقیقت، به ایثار و کسب
 همدردی و نعدوستی، به خدمت و کسب
 ارزشهای معنوی، در فطرت انسان حای
 دارند. آگاهی بر این فطرت، بیدار شدن
 و حرکت و رسد آن سبب می شود شخص با
 نسکه بر این استعدادها خود را آزاد سازد و
 سبب انخاستی در خور و شایسته فطرت
 انسانی خوش بعمل آورد. آزادی انسان
 مربوط به وجود همین استعدادها و افزایش
 آن به رسد و قدرت آن بستگی دارد.
 هر اندازه در شخص قوای انسانی رسد
 بیشتری کرده باشد، (یعنی فرد هر اندازه
 متقی تر باشد) از حیرتها محیط و ضرورتهای
 اجتماعی و احبارهای درونی آزادتر است.
 پس درجه تقوی در هر فرد سبب درجه
 آزادی اوست.
 اک عمل انسان صرفا از نمایان نفس

ادامه دارد

حکتهای مشکوک خوانین در فارس

بقیه از صفحه ۱
 و خود را همسگر مصدق قلمداد می کنند.
 کمابیش سابقه ایثار برای همگان روشن است.
 در طول ۲۷ سالی که از کودنای نکین
 ۲۸ مرداد می گذرد، در دورانی که ایران
 در ظلمت حقیقت بسر میرسد و متسلل مبارزه
 علیه استبداد و امپریالیسم امریکا در گرو
 تحمل شکستها و ایثار خونها، روشن
 نگه داشته شده بود، خسرو و ناصر قشقایی
 در کشورهای غربی و با هزینه های سیا و
 ساواک در مجالس خوشگذرانی، باصطلاح
 با رژیم شاه مبارزه می کردند. این آقایان
 سعی کردند که بعد از انقلاب نیز خود را
 بعنوان مبارز و حتی مبارز مسلمان و پیروز
 خط امام به مردم معرفی کنند. متأسفانه
 افشاگرهای نیروهای انقلابی و مسلمانان
 دلسوز که شناخت کافی نسبت به آنها
 داشتند، در روش دولتمردان سازشکار اثری
 نگذاشت و ایثار از طرف مسئولین دولت
 موقت تقویت شدند و کار به جایی رسید که
 بعضی از دولتمردان خسرو قشقایی را برای
 استانداری استان فارس پیشنهاد کردند.
 پس از هشدارهای مکرر امام و اشغال لانه
 جاسوسی که منجر به افشای ماهیت جاسوسانه
 و منافقانه ایشان شد نیز بعضی از مسئولین
 حاضر به قبول ماهیت واقعی ایشان و
 طبعیانه برخورد قاطع با آنها نشدند،
 بطوریکه خسرو قشقایی بی شرمه و با تسک
 به انواع حیلها و ایجاد محیط رعب و
 وحشت بعنوان نماینده اقلید، وارد مجلس
 میشود. عمل انقلابی دستگیری وی
 توسط برادران پاسدار، از طرف رئیس فوه
 مجریه محکوم شده و اسناد حاکی از ارتباط
 وی با سیا بی ارزش تلقی میگردد و خسرو
 قشقایی آزاد میشود که بعدا خوشبختانه
 مجلس صلاحیت نمایندگی وی را تأیید
 نکرده و منجر به شناسایی هویت واقعی او
 میشود. نکته قابل توجه این است که
 خوانین در همه شرایط سعی میکردند که
 روابط گذشته را زنده و حاکمیت ظالمانه
 خود را اعمال نمایند. اما پس از اینکه
 ماهیتشان بر همگان روشن میشود و موجودیت
 خود را در مقابل قاطعیت و سازشناپذیری
 امام و امت بیبرداخته اند، و کسانی که زبر
 بار نرفتند، تهدید شدند که پسر پیروزی
 خوانین نبود خواهند شد. خوانین با
 برآکندن این سایه که نیروهای پاسدار قصد
 نابودی عشا برادرانند، آنها را وارد کردند
 که اسام حدود ۵۰ روز قبل از موعد مقرر
 به سمت جنوب و مناطق گرمسیر گسیل داده،

ادامه دارد

مباحثه ایدئولوژیک
 دکتر حبیب الله بیمان
 ۲۲
 انقلاب در پرتو مکتب
سنتها در تاریخ
 نقش مکتب فکری انبیا در تاریخ

حقیقت یابی، و میل به تعالی و کمالجویی
 برمی خیزد. درست است اگر فطرت انسانی
 در وجود بشر نمی بود، همانند حیوانات
 چاره ای جز تبعیت از غرایز و امیال
 جسمانی خود نمی داشت. زیرا در آنصورت
 بشر فقط با یک دسته محرکها و خواستها
 مواجه بود و احیانا" مبیایست آنها را دنبال
 کند. اگر فطرت انسانی و استعدادهای
 خاص آن نبود، بشر راهی جز تبعیت از
 احبارهای محیط نداشت، و نمی توانست
 بر این جبرها غلبه کند.
 چون بشر دارای فطرت انسانی است،
 پس در میان دو قوه قرار میگیرد و عملا"
 آزادی انتخاب دارد. با نسکه بر قوای
 فطرت انسانی است که بشر میتواند از
 فرمان غرایز و نمایان نفسانی سربچی
 کند. وقتی گرسنگی و غذا هم در
 دسترس جلوی خود را بگیرد، با استقامت
 در همین قواست که با وجود اشتیاق جنسی،
 کف نفس می کند و جسم از ناموس بدیگران
 برمی گیرد. با استقامت از این قوا و
 محرکهاست که سر تسلیم در برابر حیر
 محیط طبیعی و جبر اجتماعی فرود نمی آورد.
 چنانکه اگر در محیطی قرار گرفت که ضرورتا
 (برای ادامه حیات و تأمین نیازها) باید
 راه دزدی و دغل و دروغ و تریک پیش
 گیرد، ضرورتا زبر با می اندازد و
 محرومیت را بحال می خورد. ممکن است
 ضرورتهای محیط او را به شرابخواری و
 نظایر به فسق و گناه بطلبد یا تعلق و
 جالبوسی، خیانت به دوست و وطن را
 اجباب کند. ضرورت ممکن است شخص را
 به تسلیم در برابر قدرت وادار سازد یا به
 دزدی و استعمار و رباخواری دعوت کند،
 اما انسان میتواند با تقویت استعدادها
 و قوای انسانی خویش، هیچیک از اعمال
 فوق را انجام ندهد، به ضرورتهای مزبور
 پشت کند و آزادانه راه دیگری انتخاب
 نماید.
 ضرورت حفظ جان ایجاب می کند که
 شخص برای رفع گرسنگی دزدی کند یا
 رهایی از زیر شکنجه، تسلیم شود و
 اطلاعات خود را در اختیار گذاشته به
 باران خود خیانت کند، از این نوع ضرورتها
 بسیار است که از رابطه علت و معلولی بین
 غذا و حیات، شکنجه و درد و رنج، بول و
 امکانات زندگی و آسودگی حکایت می کنند.
 اگر فطرت انسانی در بشر وجود نمی داشت
 همه مجبور به تبعیت از این ضرورتها بودیم
 و همانطور که بیرون نظریه اول متفقند،
 آزادی فقط در شناخت ضرورتها و برگزیدن
 آگاهانه جبرها معنا می شد.
 اگر انسان ضرورتها را زیر پا می گذارد،
 بر جبرها غلبه می کند، نیازها را نادیده
 می گیرد، دلیل آنرا می شود تنها در محیط
 خارجی جست، در چگونگی تولید و
 مناسبات تولیدی و یا در رونماهای فرهنگی
 آن که اگر چنین بود، باز هم می باید بشر
 جز تبعیت از ضرورتها چاره نداشته باشد.
 آری اگر انسان بنده بی اراده و بازجه گور
 محیط و غرایز بشری نیست، تنها دلیلش را

حاصل ورود در یک تجربه، یا شرکت در یک عمل اجتماعی و وقتی که
 شخص محروم و بیگانه از انگیزه ها مجهز است، بکلی فرق دارد.

بست که اولیها محکوم جبر محیط یا جبر
 اجتماعی بودند و دومیها از این جبرها
 آزاد گردیده اند. بلکه تفاوت در اینستکه
 انسانهای تکامل یافته آگاهی از جبرهای
 محیط و جبر جامعه خود را ملزم و مجبور به
 تبعیت از آنها می بینند.
 در نظریه توحیدی، انسان علاوه بر
 محرکها و نمایان بشری دارای فطرتی
 انسانی هم هست که خود سرچشمه بسیاری
 محرکها و فعالیتها در آدمی میباشد. این
 فطرت انسانی همانست که از آن تعلیمات و
 محرکهای تعالی جوئی، بینهایت طلبی،

تعبیر مناسبات تولیدی و اجتماعی بر
 خلاف نظریه اول، مربوط به محرکهای
 کوناگون درونی انسان است. بیشتر
 چگونگی ظهور و عمل این محرکها و
 نمایان را شرح دادیم.
 در دو صورت انسان محکوم حیر
 اجتماعی و تاریخ قلمداد می شود و از وی
 سلب آزادی و اختیار می گردد. اول، در
 صورتیکه وی را تابعی از شرایط محیط و
 تکامل و تحول جبری وسایل تولید و شرایط
 تولیدی بدانیم. دوم - در صورتیکه وی را
 بطور یکجانبه تابع محرکها و نمایان گور
 غریزی و کششها موافق نفسانی بدانیم.
 اگر برای بشر راهی جز پیروی از یکی از دو
 منبع حکم و فرماندهی شرایط اقتصادی و
 مناسبات تولیدی، یا امیال و غرایز
 نفسانی، راه و انتخابی دیگر وجود نداشته
 باشد، برای انسان نمیتوان نقشی در تاریخ
 قائل شد. در اینصورت درست است که
 عمل اجتماعی انسانها نفی نگردد و
 بهرحال تحول جامعه و تاریخ حاصل عمل و
 کار انسانها خواهد بود، لکن در تحلیل
 بنیانی چون این اعمال و فعالیتها، خارج

**جوهر آزادی انسان و دلیل مختار
 بودن بشر در وجود فطرت انسانی
 اوست که بصورت قوه ای، بالقوه
 و روبه رو شد در برابر قوای نفس
 بشری قرار دارد و به شخص انگیزه
 و قدرت لازم برای مقابله با
 ضرورتها و غلبه بر جبرها را
 میدهد**

از اختیار انسان و تحمیل شده از سوی
 مناسبات اجتماعی و یا محرکهای غریزی
 است، میتوان گفت که عملا" انسان بمعنای
 انسان آگاه و مختار، نقشی آزادانه و آگاهانه
 در این تحولات ندارد و در هر حال تابعی
 از روابط جبری متقابل بین خواستهای
 بشری و عوامل و شرایط محیط است. بیرون
 این نظریهها برای تبیین نقش آزادی انسان
 در تحول اجتماعی و توضیح آزادی به این
 استدلال منطقی می شوند که آزادی انسان
 در تشخیص ضرورتهایی است که خواناخواه
 باید از آنها پیروی کند. لازمه زندگی
 کردن پیروی از یک سلسله اجبارها و
 ضرورتها است که هر کدام قانونمدی خاص
 خود را دارند. و این ضرورتها از مناسبات
 خاص تولیدی ناشی می شوند. انسانها با
 تشخیص این ضرورتها در جهت آنها وارد
 عمل می شوند و این انتخاب خود را در
 مسیر تحول قرار می دهند. آزادی انسان
 محدود به اینستکه وقتی ضرورتی را تشخیص
 داد، از آن پیروی کند یا با آن مخالفت
 نماید. البته مخالفت عملا" سودی دربر
 ندارد، یعنی ضرورت را تغییر نمی دهد،
 آنچه باید اتفاق بیفتد، می افتد، نتیجه ای
 که مخالفت انسان با این ضرورتها دارد،
 اینستکه آن شخص را از مسیر تحول خارج
 ساخته حرکت وی متوقف میگردد و احیانا"
 نیز چرخهای سنگین ارابه تحول خرد
 میگردد. از این رو گفته اند بنا به این
 نظریه آزادی در انتخاب جبر است نه در
 نفی آن. در حقیقت انسان محکوم جبری
 است که یک نیروی آنرا خود فراهم کرده
 است.

در این نظریه جوهر اصلی حرکت
 تاریخ، تغییرات تکاملی وسایل تولید و
 شیوه های معیشت است. آزادی از این
 دیدگاه چیزی نیست مگر تبعیت آگاهانه از
 ضرورتها، تفاوت اساسی بین انسانهای
 اولیه و انسانهای جوامع پیشرفته، در این

امت

گفتگو با جبهه آزادی بخش جزیره العرب

بقیه از صفحه ۸

شکفت بود که ما رویدادهای ایران را روز بروز و لحظه بلحظه دنبال می کردیم و وقتی امام وارد ایران شد، در میان مردم ما شور و شوق و سرور و جشن زاید الوصفی برپا شد و وقتی انقلاب اسلامی ایران پیروز شد، مردم به خیابانها ریختند و به یکدیگر تبریک گفتند. گویی که خودشان پیروز شده بودند. این تاثیر انقلاب اسلامی ایران نه تنها در عربستان، بلکه در سراسر جهان

تأثیر انقلاب اسلامی ایران آنچنان شگفت بود که ما رویدادهای ایران را روز بروز و لحظه بلحظه دنبال می کردیم.

بود. بودند بسیاری کسان که در عمر خود با مطبوعات و روزنامهها سروکار نداشتند اما با اشتیاق جریان انقلاب اسلامی ایران را هر روز در روزنامهها تعقیب می نمودند. تاثیر انقلاب اسلامی ایران در یکی دو سال اخیر در تظاهرات پرشور محرم بخصوص در منطقه شرقی که نزدیکتر است و بیشتر تحت تاثیر فرستنده های رادیویی انقلاب اسلامی ایران قرار دارد، غیر قابل تردید است. وجود رهبران دینی انقلابی و حرکتها و تظاهرات هزاران نفری، امروز دیگر غیر قابل انکار است. حتی مجله های وابسته ای چون تایمز هم بشرح و توضیح این تظاهرات پرداخته اند. ما رشد و عملکردی که در این دو سال بعد از پیروزی انقلاب ایران داشتیم، بیش از رشد ما در ۷ سال قبل از آن بود و این بوضوح نشان دهنده تاثیر انقلاب اسلامی ایران در حرکت مردم ماست.

نظر شما در باره مسئله فلسطین چیست و چه راهحلی را برای آزادی سرزمینهای اشغالی فلسطین توسط اسرائیل غاصب پیشنهاد می کنید؟

ما به قضیه قدس بعنوان یک قضیه اسلامی می نگریم و ما سازمان آزادیبخش

فلسطین را هم با چنین دید و تلقی می نگریم و همچنانکه گفته شد، کشورهای اسلامی هرگز نخواهند توانست قدس و فلسطین را آزاد کنند، مگر آنکه خودشان را قبل از بندها رها سازند. این به این می ماند که ببرسیم کسی که خود در درون قفسی محبوس است، آیا میتواند برادر خود را از درون قفس دیگری آزاد سازد و این ضروری است که شما قبلاً خود را آزاد کنی تا قادر به آزادی سرزمین فلسطین باشی؟ و استنباط ما این است که ملت های اسلامی ضمن رها ساختن خود از قید طواغیت، فلسطین را نیز آزاد سازند و معتقدیم فلسطین را تنها ملت ها آزاد خواهند کرد، به امید خدا.

انتظار شما از حکومت مردم اسلامی ایران چیست؟

ما در حال حاضر بر خود واجب میدانیم که از حکومت انقلاب اسلامی ایران چیزی تقاضا نکنیم، اما این رسالت انقلاب اسلامی ایران است که نه تنها به مردم جزیره العرب، بلکه به کلیه ملل اسلامی برای آزادی و رهایی ازمانی کمک نماید. همچنین در منطقه تا زمانی که حکومت های وابسته مانند حکومت صدام حسین برپا هستند، توطئه علیه انقلاب اسلامی ایران ادامه خواهد داشت. بنابراین ملاحظه می کنیم که بر مردم عراق واجب است که خود را از قید حکومت وابسته عراق رها سازند و بر انقلاب اسلامی ایران واجب است که به کمک آنها بایستند. ما انتظارمان از کلیه حکومت های اسلامی این است که به حرکت های آزادی بخش در منطقه کمک کنند. همچنین از انقلاب اسلامی ایران انتظار داریم که بجای پرداختن به حکومتها به ملت ها بپردازد. این حکومتها نمایندگان واقعی و برگزیدگان این ملتها نیستند، بلکه باید به ملتها نگریست و به آنها کمک کرد و با آنها همراه بود و باید به ملت ها کمک کرد و ما در این رابطه چشم انتظار کمک های مادی و معنوی و تبلیغاتی هستیم و امیدواریم که به امید خدا در آینده نزدیکی کلیه حرکت های آزادی بخش اسلامی پیروز شوند.

جهان در تلاطم

بویابند برین در یک دعوت به اعتصاب از طرف جبهه دموکراتیک انقلابی که دارای نفوذ زیادی در بین مردم السالوادور است، ۵۰۰،۰۰۰ کارگر در سان سالوادور پایتخت این کشور دست به اعتصاب زدند. در پی این اعتصاب گارد ملی السالوادور بحالت آماده باش درآمد.

سان سالوادور:

در پی اعتصاب شورش آمیز در السالوادور سی تن جان خود را از دست دادند. به گفته شاهدان عینی، در یک درگیری دوساعته میان شورشیان و سربازان دولتی که به وسیله هواپیما و هلی کوپتر حمایت می شدند و از سلاحهای سنگین استفاده می کردند، چند تن کشته شدند. پلیس السالوادور با بیش از ۳۰۰ تن از نیروهای خود، برای شکستن این اعتصاب بزرگ، جستجوی خانه خانه را آغاز کرده است. دولت دست راستی السالوادور مورد حمایت دولت آمریکا قرار دارد.

خبرگزاری فرانسه

بعوضه روزنامه بولیوی آزاد: در نبره هایی که پس از کودتای نظامی در این کشور در گرفت، ۳۰۰۰ معدنی کشته شدند. بنا بر نوشته این روزنامه ۴۰۰ نفر در لاپاز پایتخت بولیوی اعدام شدند. این کشتار بوسیله نیروهای نظامی حکومت کودتا صورت گرفت.

تاس:

بنا به اظهار تنی چند از رهبران سیاه پوستان آمریکا، ناآرامیهای نژادی بزرگی در ایالات متحده مجدداً آغاز خواهد شد. جسی جکسون یکی از رهبران سیاهان آمریکا در یک کنفرانس مطبوعاتی به این نکته اشاره کرد که سیاهان واشنگتن بخصوص از اینکه پلیسهای سفیدپوست، یک سیاه بیمار را تا سرحد مرگ کتک زده اند، احساس خشم می کنند. شرکت کنندگان در این کنفرانس که بیوه مارتین لوتر کینگ نیز جزو آنان بود، با مقامات بلند پایه وزارت دادگستری ملاقات نمودند.

زوها نیویورک: به نوشته یکی از روزنامه های سیاه پوستان حدود ۱۵۰۰ کارگر یک مزرعه برتقال در نراسوال شمالی پس از یک اعتصاب که برای افزایش دستمزد صورت گرفت، اخراج شده اند. همچنین در دنباله تظاهرات سیاه پوستان آفریقای جنوبی، ۵۵ نفر از سیاه پوستان به اتهام شرکت در اعتصاب زندانی گشتند. این کارگران بدنیاال کشته شدن یکی از دوستانشان دست به اعتصاب زده بودند.

کیپ تان:

درگیریهای روزهای گذشته در کیپ تان واقع در آفریقای جنوبی با کشته شدن یک نوجوان سیاه پوست توسط پلیس به اوج خود رسید. پلیس به رانندگان سفید پوست هشدار داده است از ورود به مناطق سیاه پوست نشین خودداری کنند. ناآرامیهای کیپ تان هم اکنون وارد مرحله جدیدی از تظاهرات خیابانی و کارگری شده است. درگیریهای اخیر تاکنون سبب مرگ ۵ نفر سیاه پوست شده است.

نبرد بی امان زحمتگشان

خلفها همه در حرکتند و ستمزدگان همه در خروش. قانون هستی هم جز این نیست و فلسفه آزادی هم جز این اجاب نمی کند. حرکت، جوش، حق طلبی و طی طریق تکامل، اساس فلسفه هستی است، زیرا سکون و توقف، جز انحطاط معنی نمی دهد، که اساساً توقف و سکونت، مرگ است و نابودی، زوال است و عدم، بوجی است و بیخودی. تاریخ صحنه مبارزه است و صحنه مبارزه نیز سراسر از مانع و سد. مانعین در دورانیهای مختلف تاریخی متفاوتند، زمانی برده دار، هنگامی فئودال، و اکنون نیز امپریالیستها و صهیونیستها و نژادپرستان بزرگترین سدهای دوران. قانون مبارزه می گوید: هرچه سدها سختتر و هرچه شقاوت های ظالمان بیشتر باشد، سرعت حرکت تکاملی بوندگان، سریعتر خواهد بود و هرچه حرکت سریعتر باشد، فروریختن سدها آسانتر و ممکنتر. وهم اکنون در وجه به وجه کره ارض، هر دو جریان تکاملی و ضد تکاملی در تلاشند، در السالوادور، در آفریقای جنوبی، در بولیوی و بالاخره در آمریکا مهد آزادی و منادی حقوق بشر و همواره هم سرنیزه ها و لوله سلاحهای سرکوبگران متوجه محرومترین طبقات این سرزمینها یعنی کارگران است، زیرا سرمایه داران و نژادپرستان، دشمن اصلی خویش را جز زحمتگشان نمی بینند و نمی یابند. و اینجا اوج تضاد آستی نابذیر و بی پایان کار و سرمایه است، نبردی که سراسر نابرابرانه می باشد، در یک طرف سرمایه داران زالو-صفت، بهره سرمایه خود را طلب میکنند و در جانب دیگر زحمتگشانی که حق بازپوشان نمیبند به آنان داده نمی شود. این کشمکش تا نابودی کامل ستمگران ادامه دارد. حال بگذار هرچه میخواهند بکشند و بزنند و غارت کنند، بگذار هرچه در توان دارند، در سرکوب کارگران و سیاهان بکار برند، اما ظفر نمائی از آن خلفیات و هر روز نیز لوتر کینگها و لومومباها و چریکیهای جان برکف از درون خلفها سر برمی آورند.

خبرگزاری فرانسه:

منابع دیپلماتیک در واشنگتن گفتند آمریکا امیدوار است که در آینده نزدیک در مورد اجازه استفاده از پایگاه دریائی بندر "بربرا" در سومالی و همچنین پرداخت ۴۰ میلیون دلار کمک نظامی به سومالی با مقامات این کشور به توافق برسد. انتظار می رود یک هیات بلند پایه سومالی در هفته آینده برای گفتگو با مقامات وزارت خارجه و دفاع آمریکا در مورد پایگاه دریائی مزبور وارد واشنگتن شوند. منابع مزبور افزودند کمکهای نظامی ارسالی آمریکا به سومالی شامل سلاحهای دفاعی خواهد بود.

گزارشی از اردبیل

بنا به گزارش رسیده از شهرستان اردبیل ساعت ۱۱/۵ شب پنجشنبه یکی از هواداران جنبش مسلمانان مبارز به هنگام مراجعه به دفتر هواداری بدنیاال تعقیب و شناسائی قبلی از طرف چند تن موتور سوار مسرود حمله قرار گرفته و مجروح می گردد. مهاجمین با استفاده از تاریکی شب متواری می شوند. سپس برادر مجروحان یکمک اهالی محل و جمعی دیگر از هواداران به بیمارستان هلال احمر منتقل و مورد معالجه و مداوا قرار می گیرد. به دنبال این

حادته اطلاعاتی از طرف هواداران جنبش مسلمانان مبارز در اردبیل صادر شد. در قسمتی از این اطلاعیه آمده است: ... قاطعیت رهبری امام خمینی و ایستادگی مردم مسلمان مبارز ایران به امپریالیسم آمریکا، شیطان بزرگ فیمانده است که با تمسک به شیوه فشار از بیرون نمی تواند ازاده حلقه نابذیر خلق انقلابی ایران را متزلزل گرداند. و از آنجا که امپریالیسم (بنا به خلفتهای شیطان خود) تحت هیچ شرایطی حاضر نیست از منافع حیاتی اش چشم ببوشد، این بار به ایجاد آشوب و تشنج در داخل کشور بوسیله گروهها و عناصر ناآگاه تحریک شده، برای از هم پاشیدن انسجام و یکپارچگی مردم و شکاف در بین خلق مسلمان به عنوان مؤثرترین حربه، روی آورده است. در قسمتی دیگر از اعلامیه آمده است که: با وجود این تحریکات و تهدیدات از اصول خود عدول نکرده و همچنان سعی خواهیم کرد از ایجاد درگیریها و تضادهای درون- خلقی که نهایتاً بنفع امپریالیسم و عمال داخلی آن میباشد، جلوگیری نمائیم.

یادشدهای

مرداد ۵۷ که مبارزات مردم ایران در حال اوج گیری بود، رژیم در روز بیست و هشتم این ماه یعنی روزی که به کنگارایان آمریکایی خویش دوباره گریبانگیر این ملت شده بود، به ناچار فرماندهانترین عمل خویش دست زده و ۷۰۰ نفر از مردم بی گناه و بی دفاع آبادان را که برای تماشای قلم رفته بودند، در سینما رکس به آتش کشید و حرکت فاشیستهای آلمانی را که پیروسان را به کوره های آدم سوزی می انداختند، تکرار نمود، و افعالی که تاریخ حتی از یاد کردن آن شرم دارد. رژیم در آن روزها عجولانه و شانزده بدون اینکه کمترین نامردمیش کار کند، برای انحراف اذهان عمومی و بی حرمت کردن و آلوده نمودن حسنت انقلاب که جوهری مذهبی داشت، به این عمل متوسل گردید و به این ترتیب این ۷۰۰ نفر نیز در راه پیروزی انقلاب فدا شدند و به حرکت شهدای آزادی پیوستند. اما رکن آتشندان انقلاب شد و هستی رژیم را در میان شعله های خود بنا بودی کنید. اکنون که دو سال از آن روز می گذرد، هنوز دادگاه مجرمین و مسبین بی شرم این واقعه تشکیل نگردیده و آنان را به محاربات نرسانیده اند. جای آن دارد که با محاکمه و مجازات هرچه سریعتر این جنایتکاران، اندکی از دردها و مصائب از یاد رفتنی یازمانندگان و خانواده این شهدا التیام پذیرد.

تقاضای کمک مالی

هفته نامه امت و جنبش مسلمانان مبارز با دتواریهای فوری و جدی مالی مواجه است، لذا دست یاری بسوی برادران و خواهران مبارز و علاتمندان این خط مکتبی دراز می کند و تقاضا دارد علاوه بر پرداخت بدهیها، کمکهای مالی خود را به حساب شماره ۴۰۰ بانک صادرات شعبه شماره ۲۸۶۳ خیابان اسنادمطهری چهارراه مبارزان اربیز کرده، و رسید آنرا به نشانی خیابان بهار شمالی- نبش نامجو ارسال کنید.

شهره جنبش مسلمانان مبارز سال دوم زو نظر شورای نویسندگان شماره ۷۰ امت

عمل صالح

عمل انسانی بطور کلی تابع شناخت است. یعنی از انسان عمل آردی سر نمی زند مگر آنکه از صافی شناخت گذشته باشد. تنها عکس العملهای غریزی و خود به خودی هستند که نیازی به معرفت (تئوری) ندارند. البته محرک عمل در درون فرد قرار دارد و در رابطه وی با محیط عمل می کند. محرکها همان نیازها هستند که در برابر محدودیتها و موانع شخص را برای عمل به حرکت می وادارند، لکن نوع و کیفیت عمل تابع شناخت شخص از آن موضوع خاص است. از ساده ترین اعمال تا پیچیده ترین آنها متأثر از آگاهیها و قضاوتها و ملاکهای از پیش مشخص است. همانطور که بطور کلی دو نوع شناخت اصلی داریم، حقیقی و غیر حقیقی، اعمال هم در رابطه با این دو نوع معرفت بدو دسته تقسیم می شوند: اعمال صالح و غیر صالح. اعمال صالح اعمالی هستند که از شناخت حقیقی یعنی از حقیقت پیروی کنند.

عمل صالح همانند هر عمل انسانی محرک و انگیزه اش در نیازها و استعداد های درونی انسان است با این تفاوت که منطبق با ضرورت های حرکت تکاملی انسان بسوی الله است. عمل صالح ملازم با ایمان است. ایمان راهنمای عمل صالح است و لذا مقدم بر آن می باشد و ایندو بمعنای قبول این حقیقت است که گل هستی بر طبق یگانه و قانون واحدی بسوی خدا پیش می رود. رشد و تکامل انسان و حرکت وی در این مسیر تعالی بخش قواعد و اصول و ضوابط و معیارهای دارد. اگر عمل انسان منطبق با آن قواعد و معیارها باشد، آن بدیهی است لازم اش ایمان داشتن به آن اصول و معیارهاست (در اینصورت تاثیر آن در شخصیت و سرنوشت فرد تعالی بخش خواهد بود "ومن یاتمه مومنا" قد عمل - الصالحات فالولگ لهم الدرجات العلی "طه - ۷۵، هر کس به او (واقفیت واحد و حقیقت مطلق جهان) تسلیم شد و بر مبنای آن (ایمان)، اعمال صالح انجام داد، برای ایشان درجات عالی از حیات و پیروزی خواهد بود. ادامه دارد

مقوله های اساسی مکتب

کافر کسی است که حقیقت را می بیند و می شناسد، اما حاضر نیست خود را تسلیم آن کند و لذا چشم از آن برمی گرداند و دیگران می پوشاند.

همانطور که دیدیم بسیاری حقایق را می شناسند، با اینحال بهمان دلیل بالا و روی منافع و خصلتهاو تمایلات خویش آنها را انکار می کنند. یعرفون نعمت الله ثم ینکرونها و اکثرهم الکافرون "نحل/۸۳ نعمت های خدا را می شناسند، سپس انکار می کنند، قالب آنان کافرنند. کافر یک انسان خصلتی است، اسیر و زندانی خصلتهای بازدارنده خویش است، کبر و غرور وی را از تسلیم شدن به واقعیت -ها باز می دارد. "ان الکافرون الافی غرور" الملک/۲۰ و در همانحال کافر تصور می کند برترین است و اعمالش بی عیب و نقص و راه و رسمش بهترین است "زین لهم سو" - اعمالهم والله لا یهدی لقوم الکافرون" توبه - ۳۷، اعمال پلیدشان نزدشان نیگو جلوه گر شد، خدا مردم کافر را هدایت نمی کند. چه بسا اشخاصی که بعد از آنکه تسلیم راه حق شدند و در آن راه مبارزه و تلاش کردند، در نتیجه ضعفهای درونی، سرانجام در برابر مشکلات یا وسوسه های نفس تاب مقاومت نیآورده، از ادامه راه باز ایستند و در اینصورت برای توجیه ضعف و تسلیم طلبی خویش حقایق راه را منکر می شوند، ارزشها را مخدوش و بی اعتبار اعلام می کنند و در مبارزات حق طلبانه اینگونه اشخاص کم نیستند که بعد از چندی چون قادر به ادامه راه نیستند، حق را که شناخته بودند، منکر می شوند و از همین لحظه انحراف و گمراهی آنان آغاز می شود "ومن یتبدل الکفر بالایمان فقد ضل سوا" - السبیل" بقره/۱۰۸ - هر کس ایمان خود را به کفر تبدیل کرد، قطعا از راه راست و حقیقی منحرف و گمراه شده است.

بقیه از صفحه ۱

خصلت های یازدارنده و در نتیجه داشتن قلب روشن و تیزبین، با درک واقعیت واحد و مطلق جهان خود را بدان تسلیم می کند و تممیم می گیرد که هماهنگ با آن زندگی کند. کافر کسی نیست که از این واقعیت بکلی بی اطلاع است و یا در وجود آن تردید دارد، کافر کسی است که حقیقت را می بیند و می شناسد اما حاضر نیست خود را تسلیم آن کند و لذا چشم از آن برمی گرداند و آنرا بر خود و دیگران می پوشاند. علت این افکار آنستکه کافر حقیقت وجود خود را برتر از واقعیت مستقل از خود می پندارد، به شناخت ذهنی خود اهمیت و اعتبار بیشتری می دهد تا حقایقی که خارج از وجود خویش می باشد. کافر با روی گرداندن از شناخت حقیقی و پیروی از برداشتهای ذهنی و شخصی خویش از سنت های حقیقی جهان و قوانین زندگی منحرف می شود و هر انحرافی از جاده حقیقی زندگی و تکامل ظلم محسوب می شود و "والکافرون هم الظالمون"، محرک روی - گردانی از حق، استکبار است، خود برتر - بینی و خود مطلق بینی است. آنکس که اندیشه ها، منافع و مصالح و استعدادهای تشخیصی خویش را از هگان برتر دید و جز خود هیچکس را صالح و شایسته و برحق ندانست، از تسلیم در برابر سنتها و قوانین هستی آبا و خودداری می کند. استکبار او را وادار به انکار حق می کند، اگرچه آنرا نشاخته و درک کرده باشد و ابلیس هم در نتیجه غلبه کبر و خود برتر - بینی سرانجام به انکار حق پرداخت و از کافران شد "بی واستکبرواکان من الکافرین" بقره/۳۴ - از تسلیم شدن به حق استکلاف کرد و کبر و برتری و او از کافران بود. کافران